

دوفصلنامه علمی پژوهشی «پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن»
سال چهارم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۴، پیاپی ۸
صص ۷۷-۱۲۰

معناشناسی تاریخی واژه «رب»

محمدعلی خوانین‌زاده*

چکیده

با توجه به اهمیت و جایگاه محوری اسم «رب» در نظام معنایی قرآن کریم، در این مقاله با هدف دستیابی به معنای واژه «رب» و سیر تاریخی تحول معنا و کاربرد آن در اشاره به «خدای راستین/خالق» در زبان‌های مختلف سامی و چگونگی راه‌یابی چنین کاربردی به زبان عربی پیش از نزول قرآن کریم، از روش معناشناسی تاریخی و زبان‌شناسی تاریخی - تطبیقی استفاده شده‌است. از این‌رو ابتدا واژه «رب» عربی با بعضی واژه‌های خویشاوند با آن در خانواده زبان‌های سامی و همچنین زبان مصری مقایسه شده و در نتیجه، علاوه بر دستیابی به مفهوم اصلی «بزرگ» برای واژه *rab* سامی و شناسایی واژه *nib* به عنوان خویشاوند مصری *rab* سامی، پیوند میان دو ریشه *r-b-b* و *r-b-w/y* سامی نیز آشکار شده‌است. سپس با نگاهی تاریخی به کاربرد مفهوم مورد اشاره واژه *rab* سامی در بافت دینی پیش از اسلام و سایر واژه‌های ناظر به این مفهوم در زبان‌های سامی و متون مختلف دینی یهودیت و مسیحیت پرداخته شده‌است و در نتیجه، علاوه بر تبیین سیر تاریخی کاربرد معنای «سرور/صاحب اختیار» در اشاره به «خدای راستین/خالق» و معرفی واژه‌های *'Adonāy* عبری، *Kyrios* یونانی، *Mār' / Māry* آرامی و *Moryo* سریانی، که همگی به همین مفهوم اشاره داشته‌اند، با توجه به شواهد باستان‌شناختی آشکار شده‌است که واژه *rab* نخستین بار در اوایل قرن پنجم میلادی و در زبان سبئی به‌عنوان اسمی از نام‌های خدا به کار رفته و چنین کاربردی از زبان سبئی به حجاز و زبان عربی بستر نزول قرآن کریم راه یافته‌است.

واژه‌های کلیدی

قرآن کریم، اسماء‌الحسنی، رب، نام‌های خدا در یهودیت و مسیحیت، معناشناسی تاریخی، زبان‌شناسی تاریخی - تطبیقی، خانواده زبان‌های سامی.

مقدمه

با توجه به اهمیت و جایگاه محوری اسم «رب» در میان اسماء‌الحسنی و سایر مفاهیم موجود در نظام معنایی قرآن کریم - که از سویی با حوزه معنایی «توحید» و اسم جلاله «الله» و سایر نام‌های خدا و از سوی دیگر، با حوزه معنایی «عبادت» و مفاهیم کلیدی «إله» و «شرك» پیوند دارد و این دو حوزه معنایی، از حوزه‌های معنایی اساسی در نظام معنایی قرآن کریم‌اند - معناشناسی واژه «رب» در تبیین نظام معنایی قرآن کریم و بازنمایی بعضی آموزه‌ها و مفاهیم محوری در این نظام معنایی نقشی اساسی ایفا می‌کند. فرهنگ‌نویسان متقدم، واژه «رب» را در ذیل ریشه مضاعف «ربب» جای داده‌اند و معنای آن را «مالک» دانسته‌اند؛ حال آن‌که در زبان عربی صورت فعلی مجرد «رَبَّ يَرْبُ» یا کاربردهای فعلی مزید ریشه «ربب» در معنای «مَلِكٌ يَمْلِكُ» کاربرد نداشته‌است. حتی برخی، مبدأ اشتقاق «رب» را «تربیه» - که از ریشه ناقص «ربو» است - دانسته‌اند و بعضی کاربردهای فعلی ریشه «ربب» را با کاربردهای مزید ریشه‌های «ربو» یا «ربت» در باب تفعیل هم‌معنا دانسته‌اند، بدون آن‌که چگونگی پیوند ریشه «ربب» را با ریشه‌های «ربو» یا «ربت» تبیین کنند. برخی دیگر از آنان هم - با توجه به روایاتی از دوره اسلامی - اساساً صورت اسمی «رب» را مبدأ اشتقاق برای صورت فعلی مجرد ریشه «ربب» دانسته‌اند. این نارسایی از آن‌جا ناشی شده‌است که توجه اصلی تنها به ریشه واژه (و نه معنا) در تقسیم‌بندی واژگان، گاه موجب شده تا پیوند معنایی یک واژه با سایر واژه‌هایی که دارای مبدأ اشتقاق یکسان دانسته شده‌اند نادیده انگاشته شود و در نتیجه، با این‌که

فرهنگ‌نویسان پیوند معنایی را هم در یکسانی مبدأ اشتقاق شرط دانسته‌اند اما در مقام عمل، دست‌کم در مورد بعضی واژه‌ها از جمله واژه «رب»، تبیین این پیوند معنایی را مسکوت گذاشته‌اند و چه بسا این پیوند معنایی برای آنان روشن نبوده‌است.

از دیگر آسیب‌هایی که در روش فرهنگ‌نویسان مسلمان در معناشناسی واژگان به چشم می‌خورد، تمرکز قاطبه آنان بر واژگان عربی و تلاش برای عربی‌دانستن بعضی واژه‌هایی است که احتمال می‌رفته غیر عربی بوده باشند؛ واژه‌هایی مانند «ربّانی» و «ربّی»، که دست‌کم برخی از فرهنگ‌نویسان متقدم چنین احتمال داده‌اند، اما بیشتر فرهنگ‌نویسان آن‌ها را عربی پنداشته و در صدد پیوند دادن آن‌ها به ریشه «ربب» عربی برآمده‌اند. هرچند برخی دانشمندان مسلمان در سده‌های متقدم به غیر عربی بودن بعضی واژه‌های موجود در قرآن کریم توجه داشته و کتاب‌هایی را در این زمینه نگاشته‌اند، اما توجه به زبان‌های هم‌جوار با زبان عربی، که امکان اختلاط فراهم بوده‌است، در رویکرد کلی فرهنگ‌نویسان دیده نمی‌شود.

از آن‌جا که مفسران و متکلمان مسلمان در شرح و تفسیر واژه‌ها و مفاهیم به کار رفته در قرآن کریم و از جمله واژه «رب»، در درجه اول به فرهنگ‌های متقدم رجوع کرده‌اند و معنای مورد نظر خود را از همان مداخل واژگانی استخراج نموده و به شرح و بسط آن پرداخته‌اند، طبعاً این نارسایی‌ها و تشتت اقوال به دیدگاه‌های آنان نیز تسری یافته است.^۱

جهت رفع نارسایی‌های موجود در معناشناسی واژه‌های قرآنی، به نظر می‌رسد معناشناسی تاریخی زبان عربی در سده‌های منتهی به دوره نزول قرآن کریم ضروری است؛ امری که با نگاهی فراتر به

جغرافیایی آغاز کاربرد واژه *rab* در این معنا و چگونگی راهیابی چنان کاربردی به حجاز و زبان عربی بستر نزول قرآن کریم تبیین گردد.

گفتنی است کاربردهای دینی واژه *rab* در بافت‌های غیریکتاپرستانه^۳ و پیش از کاربرد یافتن آن در اشاره به «خدای راستین/ خالق» از موضوع این پژوهش خارج است. همچنین بدیهی است چگونگی کاربرد واژه «رب» و مؤلفه‌های معنایی آن در نظام معنایی قرآن کریم و در پیوند با سایر حوزه‌های معنایی اساسی آن، خود موضوع پژوهشی دیگر است.

معناشناسی تاریخی^۴

معناشناسی تاریخی یا در زمانی دانش مطالعه معنا و تغییرات آن در طول زمان است. گاه موضوع مطالعه، تغییرات معنایی در یک زبان و فرآیندهایی است که منجر به تغییر در معنای واحدهای زبانی آن زبان در طول زمان می‌شوند، که به فقه اللغه^۵ مربوط می‌شود و مهم‌ترین این فرآیندها عبارتند از: توسیع معنایی، تخصیص معنایی، ترفیع معنایی، تنزل معنایی، استعاره خودکارشده، کنایه خودکارشده و مجاز خودکارشده (نک: صفوی، ۱۳۸۴، ص ۹۶).

موضوع مطالعه گاهی هم تغییرات معنایی چند زبان که با هم پیوند دارند در مقایسه با یکدیگر است، که بخشی از زبان‌شناسی تاریخی - تطبیقی بوده و هدف نهایی آن، بازسازی تاریخچه زبان‌های مختلف و یافتن ارتباط میان زبان‌هایی است که به نظر می‌رسد از یک ریشه یا خانواده منشعب شده اند (نک: Campbell, 1999: p.4-6؛ پالمر، ۱۳۷۴: ص ۲۹-۳۲).

زبان عربی و مقایسه آن با سایر زبان‌های هم‌جوار که احتمال می‌رود در سده‌های متقدم‌تر از یک زبان دیگر منشعب شده باشند، و در حقیقت استفاده از روش‌های نوین زبان‌شناسی تاریخی - تطبیقی، قابل انجام است.

در این پژوهش، با هدف دستیابی به معنای واژه «رب» و سیر تاریخی تحول معنا و کاربرد آن در اشاره به «خدای راستین/ خالق»^۲ در زبان‌های مختلف سامی و چگونگی راهیابی چنین کاربردی به زبان عربی پیش از نزول قرآن کریم، از روش معناشناسی تاریخی استفاده شده است که در ادامه مقدمه به اختصار معرفی می‌شود.

در بخش نخست این مقاله، پس از معرفی اجمالی زبان‌شناسی تاریخی - تطبیقی، ابتدا به اختصار خانواده زبان‌های سامی معرفی شده و در پی آن، واژه «رب» عربی با بعضی واژه‌های خویشاوند با آن در این خانواده زبانی و در تقسیم‌بندی بزرگ‌تر زبان‌های حامی - سامی یا آفروآسیایی مقایسه شده و در نتیجه، علاوه بر دستیابی به مفهوم اصلی واژه *rab* سامی، پیوند میان دو ریشه *r-b-b* و *r-b-w/y* سامی نیز آشکار شده است.

در بخش دوم این مقاله با نگاهی تاریخی نه به واژه *rab* سامی، بلکه به کاربرد مفهوم مورد اشاره آن در بافت دینی پیش از اسلام و سایر واژه‌های ناظر به این مفهوم در زبان‌های سامی و متون مختلف دینی یهودیت و مسیحیت پرداخته و تلاش شده است سیر تاریخی کاربرد معنای «سرور/ صاحب اختیار» در اشاره به «خدای راستین/ خالق» و واژه‌های مختلف ناظر به این مفهوم آشکارشده و مقطع زمانی و منطقه

۱. زبان‌شناسی تاریخی - تطبیقی^۶

زبان‌شناسی تاریخی - تطبیقی که به آن فقه اللغه تطبیقی^۷ نیز گفته می‌شود، بر این اساس استوار است که هرچند یک زبان در دوره زمانی طولانی دچار تغییر می‌شود اما چنین نیست که این تغییرات زبانی کاملاً تصادفی و اتفاقی روی دهند؛ بلکه از الگوهایی پیروی می‌کنند که با بررسی‌های علمی قابل کشف و تبیین‌اند. هنگامی که یک زبان در منطقه جغرافیایی بسیار گسترده‌ای گفتگو می‌شود دچار تغییر می‌گردد اما تغییراتی که در یک منطقه بر زبانی عارض می‌شود با تغییرات آن زبان در منطقه‌ای دیگر متفاوت بوده و از همین روست که یک زبان کهن در مراحل بعدی به صورت زبان‌های گوناگون ظاهر می‌شود. ضمن این‌که تاریخ هر زبان باید به طور جداگانه و بر پایه سیر تحول ویژه خود بررسی و توصیف گردد اما ریشه‌ها و چگونگی این تغییرات زبانی با نگاهی تاریخی و در محدوده جغرافیایی سکونت، مهاجرت، تجارت، جنگ یا سایر گونه‌های تعامل فرهنگی - اجتماعی گویشوران هر زبان با مناطق هم‌جوار قابل پی‌جویی است (نک: آرلاتو، ۱۳۷۳، ص ۲۳).

در زبان‌شناسی تاریخی - تطبیقی با مقایسه زبان‌های شناسایی‌شده در حوزه‌های آواشناختی^۸، ساخت‌واژه‌ای^۹، دستوری^{۱۰} و معنایی^{۱۱} تلاش می‌شود تا ویژگی‌های مشترک احتمالی در آن زبان‌ها استخراج گردد و در صورت وجود چنین عناصر مشترکی، تا حد ممکن به توصیف ساخت یک زبان فرضی پرداخته می‌شود که احتمال می‌رود زبان‌های دیگر از آن زبان منشعب شده باشند. به این زبان فرضی، که نخستین بار در سخنرانی معروف جونز^{۱۲} در سال ۱۷۸۶ م. در

مباحث علمی جدید مطرح شد، زبان مادر یا زبان مشترک^{۱۳} و به زبان‌های زیرمجموعه آن، خانواده زبانی^{۱۴} گفته می‌شود (آرلاتو، ۱۳۷۳، ص ۶۳-۶۵).

۱-۱. خانواده زبان‌های سامی^{۱۵}

خانواده زبان‌های سامی به مجموعه‌ای از زبان‌های آسیایی و آفریقایی گفته می‌شود که بعضی از آنها مرده و بعضی دیگر تا کنون زنده‌اند؛ زبان‌هایی مانند اکدی، عبری، آرامی، سریانی، حبشی و عربی. نخستین کسی که اصطلاح «سامی» را برای معرفی این زبان‌ها به کار برد، اشلوتسر^{۱۶} بود که در سال ۱۷۸۱ م. زبان‌هایی را که از مدیترانه تا فرات و از بین النهرین تا جنوب عربستان مورد استفاده بودند زبان‌های سامی نامید بر این اساس که در تورات، مردمانی که به این زبان‌ها سخن می‌گویند از نسل سام بن نوح (ع) دانسته شده‌اند (نولدکه، ۱۹۶۳، ص ۸؛ Moscati, 1980, p.3). این نظریه اگرچه اساس تاریخی درستی ندارد ولی این اصطلاح در بین زبان‌شناسان پذیرفته بوده و به کار می‌رود (آذرنوش، ۱۳۸۸، ص ۲۶). ناگفته نماند شباهت‌های میان زبان‌های عبری، آرامی و عربی - که زبان‌های دینی یهودیان، مسیحیان شرقی و مسلمانان بوده‌اند - از قرن نهم میلادی مورد توجه برخی دانشمندان از جمله یهودا بن قریش^{۱۸} بوده است (Rubin, 2010, p.1).

زبان‌های سامی به طور سنتی و بر حسب منطقه جغرافیایی، به دو شاخه عمده شمالی و جنوبی (نولدکه، ۱۹۶۳، ص ۳۰) یا شرقی و غربی (Huehnergard, 1995, p.2117) تقسیم شده‌اند. هرچند تا کنون اجماعی بین دانشمندان در

مورد استفاده بوده است (Rubin, 2010, p.6-7). از آنجا که نخستین اکتشافات از اکدی مکتوب (به خط میخی) در بقایای شهرهای آشوری روی داده است، این زبان در گذشته با نام آشوری^{۳۰} شناخته می شد اما بعدها مشخص شد که در بین‌النهرین دو زبان اصلی گفتگو می شده است؛ یکی در بابل در جنوب عراق، که بابلی^{۳۱} نام گرفته و دیگری در آشور در میانه دشت دجله، که با نام آشوری شناخته می شده و این هر دو، در واقع دو گویش^{۳۲} همزاد از یک زبان بوده اند که اکدی نامیده می شود (George, 2007, p.31-35). گویش هایی از بابلی و آشوری به عنوان زبان ادبی تا پایان قرن ششم میلادی کاربرد داشته اند (Moscatti, 1980, p.6).

در معتبرترین فرهنگ های اکدی و آشوری موجود (Muss-Arnolt, 1905, vol.2, p.943-950, Biggs, 1999, vol.14, p.4-7, 15-17, 26-1190, 48, 57, 314-315, 392-400; vol.18, p.223; Black, 2000, p.293-294, 303, 306, 399) واژه هایی یافت شده اند که به نظر می رسد پیوند نزدیکی با واژه «رب» یا ریشه های رب ب یا رب و در زبان عربی دارند. در جدول زیر بعضی از این واژه ها به صورت آوانگاشته می آیند؛ با این توضیح که علائم به کار رفته برای واکه ها (حروف صدادار) به ترتیب عبارتند از: *a, i, u* برای واکه های کوتاه (ا، ای، او) و *ā, ī, ū* برای واکه های بلند (آ، آی، آو). گفتنی است در مواردی که در آوانگاری واژه ای اختلاف بوده، در داخل پرانتز همخوان ها (حروف صامت) یا واکه های اضافی آمده و همخوان ها یا واکه های اختلافی نیز با علامت / از یکدیگر متمایز شده اند:

دسته بندی زبان های سامی نبوده است (Rubin, 2010, p.3)، آنچه قدر مشترک این دسته بندی های مختلف بوده و برای موضوع این پژوهش مناسب به نظر می رسد، تقسیم زبان های سامی به سه شاخه است:^{۱۹} شاخه شمال شرقی مشتمل بر زبان های اکدی^{۲۰} و ابلایی^{۲۱}، شاخه شمال غربی مشتمل بر زبان هایی همچون کنعانی^{۲۲}، عبری^{۲۳}، آرامی^{۲۴} و سریانی^{۲۵} و شاخه جنوبی مشتمل بر زبان های عربی^{۲۶} و حبشی^{۲۷}. در ادامه به بررسی واژه های مرتبط با «رب» عربی در مهم ترین زبان های سامی که همزمان با نزول قرآن کریم و پیش از آن (قرن هفتم میلادی به قبل) رواج داشته اند، بر اساس تقسیم پیش گفته، پرداخته می شود.

۱-۱-۱. زبان های سامی شمال شرقی

زبان های سامی شمال شرقی، به زبان هایی گفته می شود که در منطقه بین النهرین^{۲۸} و از هزاره سوم پیش از میلاد مسیح (ع) گفتگو می شده اند. این گروه مشتمل بر دو زبان اکدی و ابلایی است. در ادامه به اختصار این زبان ها معرفی شده و کاربرد واژه های مرتبط با «رب» در آنها بررسی می شود.

۱-۱-۱-۱. زبان اکدی

اکدی نامی است برگرفته از شهری باستانی به نام اکد^{۲۹} احتمالاً در جنوب رود دجله، که امروزه به گویش های کهن زبان های سامی (شمال) شرقی گفته می شود و دست کم از نیمه هزاره سوم تا نیمه هزاره نخست پیش از میلاد در عراق کنونی گفتگو می شده و صورت مکتوب آن تا حدود قرن یکم میلادی

جدول ۱: واژه‌های مرتبط با «رب» عربی در زبان اکدی

معنا	مقوله صرفی	واژه	ردیف
بزرگ بودن یا بزرگ شدن پرورش دادن یا رشد کردن (فرزند، حیوان یا پیشرفت کردن، مقام و منزلت یافتن زیاد شدن (سود، سرمایه، بدهی و ۴) افزودن، زیاد کردن	فعل	Rabū	۱
بزرگ والامقام، بلندمرتبه نجیب‌زاده، اشرافی رییس، ارشد / مقام مافوق / مقام مسؤول بااهمیت، مؤثر، قابل توجه فراوان، زیاد	صفت	Rabū	۲
رییس، ارشد (لقبی در ابتدای عنوان بسیاری از مقامات؛ مانند: Rab bānī: ۳۳ رییس بناها / ناظر ساختمان)	صفت	rab	۳
فرمانده (لشکر) فرمانروا، والی (حاکم)	صفت	rab(i)ānu	۴
ارزش افزوده، منفعت، بهره ربا / بازپرداخت اضافه بر قرض	اسم	rub(b)ū	۵
ده هزار (۱۰,۰۰۰)	عدد	ri(/a)bbatu	۶
پر تعداد، بی‌شمار بسیار بزرگ	صفت	rabbū	۷
عظمت، اقتدار، شکوه و جلال سخاوتمندی، بزرگ‌منشی	اسم	rab(b)ūtu	۸
پادشاه، فرمانروا شاهزاده، اشرافی	صفت	rubū	۹
ملکه، بانو شاهزاده خانم	صفت	rubūtu	۱۰
حکمرانی، فرمانروایی	اسم	rubūtu	۱۱
پسرخوانده، فرزندخوانده تربیت / پرورش / بزرگ کردن فرزند یا فرزندخوانده پرورش یافته (انسان، حیوان یا درخت)	اسم	tarbītu	۱۲
فرود آمدن، استقرار یافتن / سکونت کردن	فعل	rābu	۱۳

۱-۱-۱-۲. زبان ابلایی

ابلائی از زبان‌های مرده سامی است که در سده ۲۴ یا ۲۳ پیش از میلاد در شهر باستانی ابلای^{۳۴} در تل مردیخ (واقع در غرب سوریه کنونی) گفتگو می‌شده‌است. این زبان چنان به زبان اکدی نزدیک است که حتی به عنوان یکی از گویش‌های اکدی متقدم طبقه‌بندی می‌شود (Huehnergard, 1995, Rubio, 2006, p.111; p.2120). هرچند به دلیل موقعیت مکانی، تأثیراتی هم از زبان‌های سامی غیر اکدی پذیرفته‌است و به تعبیری، مرز بین زبان‌های سامی شمال شرقی و شمال غربی در جایی در ابلای قرار می‌گیرد (Krebernik, 1996, p.249).^{۳۵}

به دلیل فقدان فرهنگی جامع و معتبر برای زبان ابلایی، امکان بررسی جامع واژه‌های مرتبط با «رب» در این زبان فراهم نیست اما با توجه به مشابهت‌های فراوان زبان ابلایی با زبان اکدی، انتظار می‌رود زبان ابلایی در این مورد تفاوت چندانی با زبان اکدی نداشته باشد و بررسی زبان اکدی برای این پژوهش کافی به نظر می‌رسد. از واژه‌های ابلایی که با معادل اکدی خود اندکی متفاوت بوده و در پیوند با ریشه‌های رب یا رب و عربی است، می‌توان واژه *ribab* به معنای ده‌هزار (۱۰,۰۰۰) را نمونه آورد (نک: Krebernik, 1996, p.246).

۱-۱-۲. زبان‌های سامی شمال غربی

زبان‌های سامی شمال غربی به زبان‌هایی گفته می‌شود که در شرق دریای مدیترانه (سرزمین شام)^{۳۶}

از اواخر هزاره سوم پیش از میلاد مسیح (ع) گفتگو می‌شده‌اند. این گروه مشتمل بر زبان اوگاریتی^{۳۷} و دو زبان عمده کنعانی و آرامی است که از زبان کنعانی، زبان‌هایی مانند عبری کهن و فینیقی^{۳۸} و از زبان آرامی، زبان‌هایی مانند نبطی^{۳۹} و سریانی منشعب شده‌اند. در ادامه به‌اختصار این زبان‌ها معرفی شده و کاربرد واژه‌های مرتبط با «رب» در آنها بررسی می‌شود.

۱-۱-۲-۱. زبان اوگاریتی

اوگاریتی از زبان‌های مرده سامی است که در سده‌های ۱۴ و ۱۳ پیش از میلاد در شهر باستانی اوگاریت^{۴۰} در رأس شمره (واقع در شمال لاذقیه در شمال غربی سوریه کنونی) گفتگو می‌شده‌است (Rubin, 2010, p.15; Moscati, 1980, p.9). هرچند برخی این زبان را زیرشاخه‌ای از زبان کنعانی در نظر می‌گیرند اما بیشتر زبان‌شناسان، اوگاریتی را زبانی مستقل در میان زبان‌های سامی شمال غربی می‌دانند (Huehnergard, 1995, p.2122-2123).

بعضی واژه‌ها که در معتبرترین فرهنگ اوگاریتی موجود یافت شده (Olmo Lete and Sanmartin, 2003, p.727-732, 877) و به نظر می‌رسد پیوند نزدیکی با واژه «رب» یا ریشه‌های رب یا رب و در زبان عربی دارند، به صورت حرف‌نگاشته در جدول زیر می‌آیند؛ چرا که در این فرهنگ تنها حروف همخوان واژه‌های مذکور حرف‌نگاری شده‌است:

جدول ۲: واژه‌های مرتبط با «رب» عربی در زبان اوگاریتی

معنا	مقوله صرفی	واژه	ردیف
بزرگ شیخ، والامقام رییس، مقام مسؤول	صفت	Rb	۱
بانو، بانوی بزرگ الهه	صفت	rbt	۲
بزرگ بودن	فعل	rbb(/y)	۳
ده‌هزار (۱۰,۰۰۰)	عدد	rb(b)t	۴
بی‌شمار	صفت	rb(b)t	۵
سود، بهره اقتصادی	اسم	trbyt	۶
نم‌نم باران، شبنم	اسم	rb(b)	۷

۱-۲-۱-۲. زبان کنعانی

زبان کنعانی یکی از دو زبان عمده شرق مدیترانه است که از حدود سده ۱۴ پیش از میلاد در کنعان (واقع در لبنان، فلسطین، غرب اردن و جنوب غربی سوریه کنونی، که اصطلاحاً منطقه سوری - فلسطینی^{۴۱} نامیده می‌شود) گفتگو می‌شده است (Moscatti, 1980, p.9-10; Huehnergard, 1995, p.2123). کنعانی خود مشتمل بر دو زبان عبری کهن و فینیقی است که در ادامه به‌اجمال معرفی می‌شوند.

۱-۲-۲-۱-۱. زبان عبری

عبری شناخته‌ترین و نزدیک‌ترین زبان به زبان کنعانی است که از اواخر سده ۱۲ تا سده‌های دوم یا یکم پیش از میلاد گفتگو می‌شده و از جمله در نگارش تنخ^{۴۲} (کتاب مقدس یهودیان) مورد استفاده بوده است. پس از آن تا قرن پنجم میلادی، تنها صورت مکتوب آن در بعضی متون دینی - از جمله در مکتوبات کشف‌شده از قُمران^{۴۳} (در ساحل دریای مرده در جنوب اریحا واقع در فلسطین اشغالی) و همچنین

در نگارش می‌شنا^{۴۴} (نخستین ویرایش از تورات شفاهی) و مدراش^{۴۵} (تفسیر تورات) - کاربرد داشته است. برخی نویسندگان خاور نزدیک یا اروپا نیز در قرون وسطی (قرن‌های پنجم تا پانزدهم میلادی) از این زبان در بعضی نوشته‌های ادبی استفاده می‌کرده‌اند (Huehnergard, 1995, p.10; Moscati, 1980, p.2123). البته عبری به عنوان زبان متون دینی و برای انجام عبادات و نیایش و مناجات در تمام این دوران مورد استفاده بوده است. گفتنی است برخی یهودیان در سده اخیر سعی در احیای زبان عبری بر اساس تنخ داشته‌اند که این زبان عبری جدید، هم‌اکنون در بعضی مناطق دنیا گفتگو می‌شود (Rubin, 2010, p.16-17).

در فرهنگ‌های معتبر عبری موجود (Gesenius, 1939, p.912-916; Koehler, 1958, p.867-870; Klein, 1987, p.601-602, 716; 1040) واژه‌هایی یافت شده اند که به نظر می‌رسد پیوند نزدیکی با واژه «رب» یا ریشه‌های ربب یا ربو در زبان عبری دارند. بعضی از این واژه‌ها به صورت آوانگاشته در جدول زیر می‌آیند:

جدول ۳: واژه‌های مرتبط با «رب» عربی در زبان عبری

معنا	مقوله صرفی	واژه	ردیف
بزرگ بودن یا بزرگ شدن زیاد بودن یا زیاد شدن مضاعف بودن یا مضاعف شدن	فعل	^{۴۶} rabab	۱
بزرگ بلند خداوندگار / صاحب اختیار، سرور رییس فرمانده، ناخدا مقتدر مفتخر، مهم آموزگار، استاد زیاد، فراوان مضاعف	صفت	rab	۲
معنای اصلی: سرور من آموزگار، استاد لقب عمومی دانشمندان دینی یهودی	صفت	rabbī	۳
صاحب اختیار بودن، پادشاهی	اسم	ribubūh	۴
فراوانی، وفور، زیاد بودن (اندازه، تعداد و ه)	اسم	rub	۵
بزرگی			
فراوانی	اسم	ribbah	۶
بی‌شمار، هزاران	صفت	ribbah	۷
ده‌هزار (۱۰,۰۰۰)	عدد	ribbah	۸
ده‌هزار (۱۰,۰۰۰)	عدد	rībū	۹
زیاد بودن یا زیاد شدن افزودن، زیاد کردن بهره / منفعت / سود بردن، ایجاد ثروت بزرگ بودن یا بزرگ شدن بزرگ کردن یا پرورش دادن (فرزند)	فعل	^{۴۷} rabah	۱۰
افزایش پرورش (تربیت / بزرگ کردن)	اسم	taribūt	۱۱
افزایش سود، بهره ربا	اسم	^{۴۸} taribīt	۱۲

۱۳	<i>rabab</i>	فعل	موجب بارش باران شدن چرب کردن، چرک کردن، لکه‌دار کردن
۱۴	<i>ribub</i>	اسم	روغن، چربی، لکه چربی
۱۵	^{۴۹} <i>rib(ī)bīm</i>	اسم	قطرات سنگین شبنم رگبارهای فراوان

۱-۲-۲-۲-۱. زبان فینیقی

فینیقی زبانی برگرفته از زبان کنعانی و بسیار نزدیک به زبان عبری است که در سده‌های دهم و نهم پیش از میلاد در شهر ساحلی بیبلوس^{۵۰} یا جُبیل (واقع در استان جبل در لبنان کنونی) گفتگو می‌شده و صورت مکتوب آن تا قرن پنجم میلادی نیز در لبنان و شمال فلسطین کاربرد داشته‌است (Huehnergard, 1995, p.2123؛ قس: Moscati, 1980, p.10، که پایان کاربرد زبان فینیقی را قرن دوم میلادی دانسته‌است).
نه تنها در لبنان و مناطق مجاور، بلکه نمونه‌هایی از کاربرد زبان فینیقی در مناطق دوردست‌تر از قبیل قبرس، یونان، سیسیل و اسپانیای کنونی یافت شده‌است به این دلیل که فینیقیان دریانورد بوده و از

طریق دریای مدیترانه به سمت غرب سفر می‌کرده‌اند (Rubin, 2010, p.17). الفبای فینیقی برای نگارش زبان‌هایی همچون آرامی، عبری و یونانی هم مورد استفاده بوده‌است (Huehnergard, 1995, p.2123).
در تنها فرهنگ فینیقی در دسترس (Krahmalkov, 2000, p.438-441)، واژه‌هایی یافت شده‌اند که به نظر می‌رسد پیوند نزدیکی با واژه «رب» یا ریشه‌های رب یا ربو در زبان عبری دارند. بعضی از این واژه‌ها به صورت حرف‌نگاشته در جدول زیر می‌آیند؛ چرا که در این فرهنگ تنها حروف همخوان واژه‌های مذکور حرف‌نگاری شده و مؤلف برای بعضی واژه‌ها، معادل عبری آنها را آورده‌است:

جدول ۴: واژه‌های مرتبط با «رب» عبری در زبان فینیقی

ردیف	واژه	مقوله صرفی	معنا
۱	^{۵۱} <i>rb</i>	صفت	سرور رهبر آموزگار، استاد
۲	<i>rb</i>	صفت	فرمانده لشکر رییس، ارشد/ سرگروه/ سرکرده والی، حاکم/ فرمانروا
۳	^{۵۲} <i>rb</i>	صفت	به عنوان لقب افتخاری: بزرگ ارشد زیاد
۴	<i>rbt</i>	صفت	بانو لقب الهه
۵	^{۵۳} <i>rb</i>	اسم	تعداد زیاد، فراوانی
۶	^{۵۴} <i>rb</i>	عدد	ده‌هزار (۱۰,۰۰۰)

۱-۲-۳. زبان آرامی

منطقه جغرافیایی زبان‌های آرامی، این مجموعه به دو شاخه غربی و شرقی تقسیم شده است. از سده سوم پیش از میلاد تا قرن دوم میلادی، زبان‌ها/گویش‌های مختلفی از زبان آرامی منشعب شده‌اند که از آن جمله می‌توان نبطی و پالمیری^{۵۹} - منشعب از آرامی غربی - و سریانی - منشعب از آرامی شرقی - را نام برد (Moscatti, 1980, p.10-12).

در معتبرترین فرهنگ‌های موجود آرامی کهن (زبانی که در ترگوم‌ها و کتاب مقدس به کار رفته است) (Dalman, 1901, p.377-378, 426; Jastrow, 1903, vol.2, p.1438-1444, 1694-1695; Baumgartner, 1958, p.1122) واژه‌هایی یافت شده‌اند که به نظر می‌رسد پیوند نزدیکی با واژه «رب» یا ریشه‌های رب یا ربو در زبان عربی دارند. بعضی از این واژه‌ها به صورت آوانگاشته در جدول زیر می‌آیند:

زبان آرامی دومین زبان عمده شرق مدیترانه است که از اوایل هزاره نخست پیش از میلاد گفتگو می‌شده و بعضی گویش‌های آن تا کنون مورد استفاده است (Moscatti, 1980, p.10). آرامی در برگیرنده زبان‌ها/گویش‌های مختلف و متعددی بوده است به طوری که برخی معتقدند نمی‌توان گویشی معیار برای آن در نظر گرفت. زبان آرامی در غرب امپراتوری پارس از میانه سده ششم پیش از میلاد در حدود سه قرن زبان رسمی بوده (Rubin, 2010, p.18-19) و چنان گستره‌ای داشته که از شمال سوریه کنونی و فلسطین تا مصر و غرب ایران را در بر می‌گرفته و در نگارش بعضی متون مقدس یهودی و بخش‌هایی از کتاب مقدس^{۵۵} مسیحیان - همچون کتاب عزرا^{۶۰} و کتاب دانیال^{۵۷} - و همچنین در کتابت ترگوم‌ها^{۵۸} (ترجمه‌های آرامی متون مقدس یهودی) مورد استفاده بوده است (Huehnergard, 1995, p.2124). به جهت گستردگی

جدول ۵: واژه‌های مرتبط با «رب» عربی در زبان آرامی

معنا	مقوله صرفی	واژه	ردیف
بزرگ سرور رهبر رییس، ارشد/ مافوق آموزگار، استاد فراوان، زیاد	صفت	^{۶۰} rab	۱
لقب امورائیم ^{۶۱} بابلی	صفت	Rab	۲
معنای اصلی: سرور من، آموزگار/ استاد من لقب علما و دانشمندان دینی؛ به ویژه تنائیم ^{۶۲} و امورائیم فلسطینی	صفت	Rabbī	۳
آموزگار/ استاد ما صفتی برای موسی (ع)	صفت	rabbi(ī)nu	۴
سرور رییس آموزگار/ استاد	صفت	rabbān	۵

لقبی برای دانشمندان دینی لقب بسیاری از رؤسای مدارس دینی فلسطین پس از هیلل ^{۶۳}	صفت	<i>Rabbān</i>	۶
بزرگ بودن یا بزرگ شدن بزرگ کردن، پرورش دادن رشد کردن تولید کردن زیاد شدن	فعل	<i>ribā</i>	۷
بزرگ بودن رشد کردن زیاد بودن متراکم کردن اندودن (به‌ویژه مالیدن قیر به چرم)	فعل	<i>rabab</i>	۸
رشد کردن، بزرگ شدن بزرگ کردن بالا بردن زیاد بودن یا زیاد شدن	فعل	<i>rabah</i>	۹
بزرگ ارشد آموزگار / استاد	صفت	<i>rabah</i>	۱۰
خداوندگار / صاحب اختیار، سرور	صفت	^{۶۴} <i>rībūn</i>	۱۱
بی‌شمار، هزاران، زیاد	صفت	^{۶۵} <i>ribbah</i>	۱۲
بی‌شمار انبوه	صفت	^{۶۶} <i>rībū</i>	۱۳
ده‌هزار (۱۰,۰۰۰)	عدد	<i>rībū</i>	۱۴
بزرگ، قابل توجه	صفت	<i>ribū</i>	۱۵
شکوه و جلال بزرگی، مقام و منصب	اسم	^{۶۷} <i>ribū(tā)</i>	۱۶
سود، بهره بهره قرض، رباخواری	اسم	<i>rībūt</i>	۱۷
رام کردن پرورش / تربیت کردن آموزش به ثمر رساندن	اسم	^{۶۸} <i>taribbūt</i>	۱۸
افزایش سود، منفعت، بهره		^{۶۹} <i>taribbūt</i>	۱۹
روغن مالی کردن	فعل	<i>ribū</i>	۲۰
جرم غلیظ، چسبناک یا چرب روغن، چربی، لکه چربی قیر	اسم	<i>ra(i)bab</i>	۲۱

۱-۱-۲-۳-۱. زبان نبطی

زبان از سویی مشتمل بر مؤلفه‌هایی آرامی و از سویی دیگر دارای شاخصه‌هایی عربی (شمالی) بوده است. کتیبه‌هایی از قرن‌های چهارم و پنجم میلادی کشف شده که نشان می‌دهند زبان عربی شمالی از الفبای نبطی تأثیر گرفته است (Lipinski, 1997, p.63-64). در تنها فرهنگ نبطی یافت شده (الذیب، ۱۴۲۱، ص ۲۳۶-۲۳۷)، واژه‌هایی یافت شده اند که به نظر می‌رسد پیوند نزدیکی با واژه «رب» یا ریشه‌های ربب یا ربو در زبان عربی دارند. بعضی از این واژه‌ها به صورت آوانگاشته در جدول زیر می‌آیند:

جدول ۶: واژه‌های مرتبط با «رب» عربی در زبان نبطی

معنا	مقوله صرفی	واژه	ردیف
رییس صاحب	صفت	rb	۱
بزرگ رییس	صفت	rbā	۲
رییس (مؤنث)	صفت	rbt	۳
بزرگ، والا (مؤنث)	صفت	rbtā	۴
رهبر آموزگار/استاد	صفت	rbw	۵

۱-۱-۲-۳-۲. زبان سریانی

طور گسترده به عنوان زبان ادبی مسیحیان به کار می‌رفته (Huehnergard, 1995, p.2124) هرچند پس از فتوحات اسلامی در قرن هشتم میلادی، به تدریج جای خود را به زبان عربی داده است (Moscati, 1980 p.12).

در معتبرترین فرهنگ‌های سریانی موجود (Brun, 1895, p.626; Costaz, 2002, p.334-335)، واژه‌هایی یافت شده اند که به نظر می‌رسد پیوند نزدیکی با واژه «رب» یا ریشه‌های ربب یا ربو در زبان عربی دارند. بعضی از این واژه‌ها به صورت آوانگاشته در جدول زیر می‌آیند:

نبطی زبانی منشعب از زبان آرامی غربی است که از سده دوم پیش از میلاد تا قرن چهارم میلادی در حکومتی به مرکزیت شهر پترا^{۷۰} (واقع در استان معان در جنوب اردن کنونی) و با گستره‌ای جغرافیایی مشتمل بر کرانه شرقی رود اردن (اردن کنونی)، صحرای نِگب^{۷۱} (واقع در جنوب فلسطین اشغالی) و شبه جزیره سینا (واقع در شمال شرقی مصر کنونی) توسط اقوامی عرب‌نژاد به نام نبطیان/ انباط گفتگو می‌شده و جهت نگارش مورد استفاده بوده است. این

سریانی زبانی منشعب از زبان آرامی شرقی است که از اواخر قرن دوم میلادی در شهر باستانی اِدسا/ اورهای^{۷۲} یا الرُّها (واقع در استان شانلی اورفا در جنوب شرقی ترکیه کنونی) گفتگو می‌شده و زبان مذهبی مسیحیان در هلال خصیب (منطقه حاصلخیز هلالی شکل اطراف رود نیل، سواحل شرقی دریای مدیترانه و رود اردن، و بین‌النهرین تا شمال خلیج فارس) بوده است و به عقیده برخی، بهترین نمونه موجود زبان‌های آرامی است (Rubin, 2010, p.19). زبان سریانی در قرن‌های سوم تا سیزدهم میلادی به

جدول ۷: واژه‌های مرتبط با «رب» عربی در زبان سریانی

الف) ریشه *rab* به معنای «بزرگ شدن»^{۷۳}

معنا	مقوله صرفی	واژه	ردیف
بزرگ رییس، ارشد/ مافوق آموزگار، استاد فرمانروا، حاکم اشرافی، نجیب‌زاده فراوان، زیاد	صفت	<i>rabā</i>	۱
بزرگ شدن	فعل	<i>rab</i>	۲
کاهن اعظم، حبر/ پاپ	صفت	<i>rabbūnū</i>	۳
آموزگار/ استاد	صفت	<i>rabunī</i>	۴
بزرگی، افتخار شکوه و جلال	اسم	<i>rabūtū</i>	۵
ده‌هزار (۱۰,۰۰۰)	عدد	<i>ribū(tū)</i>	۶
زیاد کردن، تکثیر کردن	فعل	<i>rawrib</i>	۷
زیاد کردن	فعل	<i>raw(ū)rubū</i>	۸
فراوانی	اسم	<i>rawrabtū</i>	۹

ب) ریشه *rabū* به معنای «رشد کردن»، «زیاد شدن»^{۷۴}

معنا	مقوله صرفی	واژه	ردیف
بزرگ شدن زیاد شدن	فعل	<i>rbī</i>	۱۰
زیاد کردن، رشد دادن پرورش دادن قرض دادن با طلب سود/ رباخواری	فعل	<i>rabī</i>	۱۱
سود، بهره	اسم	<i>ribītū</i>	۱۲
افزایش پیشرفت، ترقی آموزش	اسم	<i>tarbītū</i>	۱۳

۱-۳-۱. زبان‌های سامی جنوبی

زبان‌های سامی جنوبی به زبان‌هایی گفته می‌شود که در شبه جزیره عرب و بخشی از شاخ آفریقا از هزاره نخست پیش از میلاد مسیح (ع) گفتگو می‌شده‌اند. این گروه مشتمل بر زبان‌های عربی جنوبی، حبشی و عربی شمالی است. به عقیده زبان‌شناسان چنین نبوده که یکی

از دو گروه زبان‌های عربی جنوبی و عربی شمالی - بر خلاف نامگذاری مشابه - از دیگری منشعب شده‌باشد. زبان عربی شمالی در بر گیرنده زبان‌های عربی شمالی کهن^{۷۵} و عربی نخستین^{۷۶} است^{۷۷} که زبان عربی نخستین، خود به دو شاخه عربی کهن (پیشاکلاسیک)^{۷۸} و عربی کلاسیک^{۷۹} تقسیم می‌شود. زبان عربی کلاسیک

حضرموت (در استان شَبَوَه در جنوب یمن) و بخش‌هایی از عمان کنونی (ظفار) مورد استفاده بوده‌اند. همچنین در بعضی کتیبه‌های کشف‌شده از مدائن صالح / حجر (واقع در العُلا بین مدینه و تبوک) نیز زبان معینی به کار رفته‌است (Huehnergard, 1995, p.2120). در این میان، سبئی مهم‌ترین گویش زبان عربی جنوبی کهن است که قدمت بیشتری نسبت به سایر گویش‌ها دارد (ابتدای هزاره نخست پیش از میلاد) و بیشتر کتیبه‌های کشف‌شده از این زبان نیز به خط سبئی بوده و این احتمال هست که سایر گویش‌های عربی جنوبی از سبئی نشأت گرفته‌باشند و دست‌کم می‌توان گفت تأثیر فراوانی از آن پذیرفته‌اند (Rubin, 2010, p.14-15).

در معتبرترین فرهنگ‌های سبئی موجود (Beeston, 1982, p.114; Biella, 1982, p.475-476)، واژه‌هایی یافت شده‌اند که به نظر می‌رسد پیوند نزدیکی با واژه «رب» یا ریشه‌های ربب یا ربو در زبان عربی دارند. بعضی از این واژه‌ها به صورت حرف‌نگاشته در جدول زیر می‌آیند؛ چرا که در این فرهنگ‌ها تنها حروف همخوان واژه‌های مذکور حرف‌نگاری شده‌است:

جدول ۸: واژه‌های مرتبط با «رب» عربی در زبان سبئی

معنا	مقوله صرفی	واژه	ردیف
داشتن، دارا بودن / مالک چیزی بودن	فعل	<i>rb</i>	۱
تصاحب کردن تربیت کردن فرزندخوانده	فعل	<i>hrbb</i>	۲
در ترکیب‌های <i>Rb-hd</i> <i>Rb-hwd</i> <i>Rb-yhd</i> : خدا(ی یهود)	اسم	<i>Rb</i>	۳
برده، بنده تحت الحمایه / فرزندخوانده	اسم	<i>rbbn</i>	۴
تحت الحمایه / زیردست	اسم	<i>'rbbw</i>	۵

زبانی عربی است که در قرن‌های هفتم و هشتم میلادی بر اساس قرآن کریم و اشعار به جای مانده از دوران پیش از اسلام به طور گسترده یکسان‌سازی و تثبیت شد (Rubin, 2010, p.11) و نقطه پایان گسترش گویش‌های متفاوت عربی کهن بود^{۸۰} (Owens, 2006, p.5). در ادامه به اختصار زبان‌های عربی جنوبی کهن،^{۸۱} حبشی و عربی شمالی کهن معرفی شده و کاربرد واژه‌های مرتبط با «رب» در آنها بررسی می‌شود.

۱-۱-۳-۱. زبان عربی جنوبی کهن

عربی جنوبی کهن - که صیهدی^{۸۲} (منسوب به بیابان صیهد یا رملة السبعین واقع در بخش وسیعی از مرکز یمن کنونی) نیز نامیده می‌شود - به مجموعه‌ای از زبان‌ها/ گویش‌های به هم پیوسته گفته می‌شود که به طور عمده از حدود سده هشتم پیش از میلاد تا قرن ششم میلادی در جنوب شبه جزیره عرب گفتگو می‌شده و مشتمل بر زبان‌ها/ گویش‌های سبئی،^{۸۳} معینی،^{۸۴} قتبانی^{۸۵} و حضرموتی^{۸۶} است (Moscatti, 1980, p.14) که به ترتیب در سبأ (در شمال یمن کنونی)، معین (در استان الجوف در شرق صنعاء)، قتبان (در جنوب غربی یمن و شرق ربع الخالی)،

الف) ریشه *rbb*

ب) ریشه rbw

معنا	مقوله صرفی	واژه	ردیف
زراعت کردن، رویاندن؛ آباد کردن زمین	فعل	yrbwn	۶

داده‌است (Huehnergard, Moscati, 1980, p.15).
 حبشی داشته (نولدکه، ۱۹۶۳، ص ۹۸) و الفبای زبان حبشی و از جمله گعز برگرفته از الفبای سبئی بوده‌است (ولفنسون، ۲۰۰۱، ص ۲۲۱؛ Rubin, 2010, p.10).
 در معتبرترین فرهنگ‌های گعز موجود (Leslau, 1991, Dillmann, 1865, p.286-287) واژه‌هایی یافت شده‌اند که به نظر می‌رسد پیوند نزدیکی با واژه «رب» یا ریشه‌های ربب یا ربو در زبان عربی دارند. بعضی از این واژه‌ها به صورت آوانگاشته در جدول زیر می‌آیند:

۱-۳-۲. زبان حبشی

حبشی زبان مردم حبشه (اتیوپی و اریتره کنونی در شاخ آفریقا) و بسیار نزدیک به زبان‌های عربی جنوبی بوده که احتمالاً در اوایل هزاره نخست پیش از میلاد از جنوب غربی شبه جزیره عرب (یمن کنونی) به شرق آفریقا راه یافته‌است (Huehnergard, 1995, p.2120).
 مهم‌ترین زیرشاخه زبان حبشی، زبان گعز (جعزی)^{۸۷} است که از ابتدای قرن چهارم میلادی در شمال اتیوپی (اریتره کنونی) گفتگو می‌شده و زبان کلیسای مسیحی اتیوپی بوده است. هرچند به نظر می‌رسد در قرن نهم میلادی گفتگو به زبان گعز متوقف شده اما به عنوان زبانی ادبی و مذهبی تا کنون به حیات خود ادامه

جدول ۹: واژه‌های مرتبط با «رب» عربی در زبان گعز

معنا	مقوله صرفی	واژه	ردیف
فراوان بودن پخش کردن، پراکندن توسعه دادن	فعل	rab(a)ba	۱
سرور مالک	اسم	rab	۲
رییس آموزگار، استاد سرور	اسم	rabun	۳
سلطه / پادشاهی، برتری	اسم	rabībāwit	۴
سرور آموزگار، استاد رهبر ارشد	اسم	rabbān	۵
ناخدای کشتی، صاحب کشتی	اسم	rabbān(āy)	۶
آموزش دادن	فعل	rabbawa	۷
هزاران	صفت	rabbawāt	۸

۱-۳-۳-۱. زبان عربی شمالی کهن

عربی شمالی کهن به مجموعه‌ای از گویش‌های بسیار نزدیک به هم گفته می‌شود که از حدود سده هشتم پیش از میلاد تا قرن چهارم میلادی در محدوده کشورهای سوریه، اردن، عراق و عربستان سعودی کنونی گفتگو می‌شده است. از جمله این گویش‌ها می‌توان لحيانی/ دیدانی،^{۸۸} صفائی،^{۸۹} حسائی^{۹۰} و ثمودی^{۹۱} را نام برد که به ترتیب در دیدان (نزدیک به مدائن صالح/ حجر واقع در العُلا بین مدینه و تبوک)، تپه‌های صفا (در جنوب شرقی سوریه)، حساء/ أحساء (در شرق عربستان سعودی)، و سر تا سر صحرای عرب و به‌ویژه صحرای سینا (شبه جزیره سینا بین دریای مدیترانه و دریای سرخ واقع در مصر کنونی) مورد استفاده بوده‌اند. عربی شمالی کهن از حدود هزار سال پیش از عربی مورد استفاده بوده است و با وجود قرابت فراوان، این دو زبان جدا از هم دانسته می‌شوند^{۹۲} (Rubin, 2010, p.11).

بر خلاف زبان عربی جنوبی کهن، اطلاعات مربوط به زبان عربی شمالی کهن نسبتاً اندک و پراکنده است و تمامی شواهد مربوط، منحصر به تعدادی کتیبه است که بخش اعظم آن سنگ‌نوشته یا نوشته‌های غیر رسمی عمده شامل نام و نسب افراد است (Macdonald, M.C., 2004, p.490). در نتیجه تا کنون فرهنگی جامع برای زبان عربی شمالی کهن تدوین نشده و امکان بررسی واژه‌های مرتبط با «رب» در این زبان فراهم نیست.

در پایان بررسی زبان‌های سامی، برای روشن‌تر شدن مشابهت‌های این زبان‌ها و امکان مقایسه بهتر واژه‌های مورد بررسی، در جدول صفحه بعد واژه‌های خویشاوند^{۹۳} بر اساس معنایشان دسته‌بندی شده و در کنار هم می‌آیند؛ هرچند به تحلیل این جدول و نتایج حاصل از آن در پایان بخش اول مقاله پرداخته می‌شود:

جدول ۱۰: واژه‌های خویشاوند با «رب» عربی در خانواده زبان‌های سامی

ردیف	معنا	اکدی	اوگاریتی	عبری	فارسی	عربی	آرامی	سومری	عربی
۱	بزرگ	rabū	rb	rab	rb	rab	rab rabah	Rbā	rabā
۲	خداوندگار/ صاحب اختیار، سرور			rab	rb	rab	rab rabbān rībūn	Rb	rab rabun rabbān
۳	رییس، ارشد/ مقام مافوق/ مقام مسؤول؛ رهبر	rabū rab	rb	rab	Rb	rab	rab rabbān rabah	Rb rbā Rbw	rabun rabbān
۴	آموزگار، استاد			rab	rb	rab	rab rabbān rabah	Rbw	rabun rabbān
۵	والامقام، بلندمرتبه؛ نجیب‌زاده، اشرافی	rubū	rb					rbā	rabā

		<i>rabā</i>			<i>rb</i>			<i>rab(i)ānu</i> <i>rubū</i>	فرمانروا، حاکم؛ پادشاه	۶
					<i>rb</i>	<i>rab</i>		<i>rab(i)ānu</i>	فرمانده لشکر یا ناخدای کشتی	۷
		<i>rabūū</i>		<i>ribū(tā)</i>		<i>ribubūh</i>		<i>ra(/u)b(b)ūtu</i>	شکوه و جلال؛ بزرگی؛ فرمانروایی	۸
					<i>rbt</i>		<i>rbt</i>	<i>rubūtu</i>	ملکه، بانو	۹
	<i>rb</i>								خدا	۱۰
		<i>rabā</i>		<i>rab</i>	<i>rb</i>	<i>rab</i>		<i>rabū</i>	فراوان، زیاد	۱۱
				<i>ribbah</i> <i>rībū</i>		<i>ribbah</i>	<i>rb(b)t</i>	<i>rabbū</i>	بی‌شمار، هزاران	۱۲
		<i>ribū(tū)</i>		<i>rībū</i>	<i>rb</i>	<i>ribbah</i> <i>rībū</i>	<i>rb(b)t</i>	<i>ri(a)bbatu</i>	ده‌هزار (۱۰,۰۰۰)	۱۳
		<i>rab</i> <i>rbī</i>		<i>ribā</i> <i>rabab</i> <i>rabah</i>		<i>rabab</i> <i>rabah</i>	<i>rbb(ʿy)</i>	<i>rabū</i>	بزرگ بودن یا بزرگ شدن	۱۴
<i>rabbawa</i>	<i>hrbb</i>	<i>rabī</i>		<i>rabah</i> <i>ribā</i>		<i>rabah</i>		<i>rabū</i>	بزرگ کردن یا پرورش دادن	۱۵
		<i>tarbīū</i>		<i>taribbūt</i>		<i>taribūt</i>		<i>tarbītu</i>	آموزش و پرورش (تربیت)	۱۶
<i>rab(a)ba</i>		<i>rbī</i>		<i>ribā</i> <i>rabab</i> <i>rabah</i>		<i>rabab</i> <i>rabah</i>		<i>rabū</i>	زیاد بودن یا زیاد شدن	۱۷
		<i>rawrib</i> <i>raw(ū)rubū</i>				<i>rabah</i>		<i>rabū</i>	افزودن، زیاد کردن	۱۸
		<i>ribīū</i>		<i>rībūt</i> <i>taribbūt</i>		<i>rabah</i> <i>taribūt</i>	<i>trbyt</i>	<i>rub(b)ū</i>	ارزش افزوده، منفعت، بهره / سود؛ ربا	۱۹
	<i>rb</i>								داشتن، دارا بودن / مالک چیزی بودن	۲۰

۲-۱. زبان‌های حامی - سامی (آفروآسیایی) این اصطلاح عارض شده‌بود (Voegelin, 1977, p.13) این خانواده بزرگ زبانی امروزه با نام آفروآسیایی^{۹۸} شناخته می‌شود که توسط گرینبرگ^{۹۹} در سال ۱۹۵۰ م. پیشنهاد شده‌است. شاخه‌های دیگر این خانواده بزرگ زبانی، که در محدوده جغرافیایی خاور نزدیک، شمال آفریقا، ساحل و شاخ آفریقا رواج داشته و دارند، عبارتند از: مصری،^{۱۰۰} بربری،^{۱۰۱} چادی،^{۱۰۲} کوشی^{۱۰۳} و اوموتی^{۱۰۴} (Bennett, 1998, p.21-22; Rubin, 2010, p.3).^{۱۰۵}

زبان‌های سامی شاخه‌ای از یک خانواده زبانی بزرگ‌تر^{۹۴} دانسته می‌شوند که نخستین بار توسط بنفلی^{۹۵} در سال ۱۸۴۴ م. و در پی مشاهده شباهت‌هایی بین زبان‌های سامی با زبان مصری مورد توجه قرار گرفت و در دهه ۱۸۶۰ م. توسط مولر^{۹۶} فراگیر و به نام زبان‌های حامی - سامی^{۹۷} نامیده‌شد (Lipinski, 1997, p.23). جهت اجتناب از تداعی بعضی مفاهیم نژادی و فرهنگی که در طول زمان بر

نزول قرآن کریم رواج داشته‌است - زبان قبطی^{۱۱۰} است. در ادامه به‌اختصار این زبان‌ها معرفی شده و کاربرد واژه‌هایی از آنها که به نظر می‌رسد می‌توانند با «رب» عربی مرتبط باشند بررسی می‌شود.

۱-۲-۱-۱. زبان مصری باستان

مصری باستان در هزاره سوم پیش از میلاد در دوران پادشاهی کهن مصر و دوره میانی نخست مصر گفتگو می‌شده‌است. مهم‌ترین اسناد موجود از این زبان (به خط هیروگلیف)، سنگ‌نوشته‌های مذهبی موسوم به متون اهرام^{۱۱۱} و همچنین تعداد قابل توجهی زندگینامه فردی است که بر دیواره‌های بیرونی مقبره‌های اشراف حک شده‌اند (Loprieno, 1995, p.5).

بعضی واژه‌ها که در معتبرترین فرهنگ موجود مصری باستان (Budge, 1920, p.357-366) یافت شده و به نظر می‌رسد می‌توانند با واژه «رب» عربی مرتبط باشند، به صورت آوانگاشته در جدول زیر می‌آیند:

جدول ۱۱: واژه‌های مرتبط با «رب» عربی در زبان مصری باستان

معنا	مقوله صرفی	واژه	ردیف
خداوندگار/ صاحب اختیار سرور صاحب/ دارا، مالک خدا/ اله (برای نمونه: <i>Nib ānkh</i> (خدای زندگی) و <i>Nib tchit</i> (خدای ابدیت)، هردو از القاب اوزیریس ^{۱۱۲})	اسم	<i>nib</i>	۱
بانو، ملکه الهه	اسم	<i>nibt</i>	۲
خدایان	اسم	<i>nibū</i>	۳

هرچند برای معناشناسی تاریخی واژه «رب» زبان‌های سامی بررسی شده می‌توانند وافی به مقصود باشند، اما از آنجا که در قرآن کریم - صرف نظر از معدود موارد کاربرد «رب» در معنایی غیر از اسم الله و در تقابل با الله - تنها مصداق عینی و متعین واژه «رب» که در ارجاع به غیر خدا به کار رفته «ملک/ فرعون» مصر بوده‌است،^{۱۰۶} به نظر می‌رسد بررسی زبان‌های مصری که پیش از نزول قرآن کریم متداول بوده‌اند جالب توجه باشد.

۱-۲-۱-۱. زبان مصری

مصری از کهن‌ترین زبان‌های دنیاست که در دره رود نیل در شمال شرق آفریقا از حدود ۳۰۰۰ سال پیش از میلاد مسیح (ع) برای بیش از چهار هزاره - تا حدود ۱۳۰۰ میلادی - رواج داشته و به دو دوره عمده مصری متقدم^{۱۰۷} و مصری متأخر^{۱۰۸} قابل تقسیم است (Loprieno, 1995, p.5). قدیمی‌ترین شاخه از مصری متقدم، زبان مصری باستان^{۱۰۹} بوده و جدیدترین شاخه از مصری متأخر - که همزمان با

۲-۱-۲-۱. زبان قبطی

مسیحیان در کلیسای قبطی مورد استفاده است (Loprieno, 1995, p.7).

در معتبرترین فرهنگ قبطی موجود (Crum, 1939, p.221) واژه‌ای که به نظر می‌رسد می‌تواند با واژه «رب» عربی مرتبط باشد، به صورت آوانگاشته در پی می‌آید:

جدول ۱۲: واژه مرتبط با «رب» عربی در زبان قبطی

معنا	مقوله صرفی	واژه	ردیف
خدا			
سرور	اسم	nib	۱
مالک			

قبطی زبان مصر مسیحی است که در قرن‌های چهارم تا چهاردهم میلادی گفتگو می‌شده و با بهره‌گیری از الفبای یونانی کتابت می‌شده است. از قرن نهم میلادی، به تدریج زبان عربی جایگزین قبطی شده است هرچند هنوز هم به عنوان زبان مذهبی

استاد» در تقابل با «شاگرد/ مرید» و ۴ دیگری معنای «فراوان/ زیاد». البته به نظر می‌رسد این معنا را نیز می‌توان در پیوند با معنای نخست دانست؛ بدین ترتیب که هرگاه «بزرگ» وصفی برای «کمیت/ مقدار/ تعداد» - به صورت صریح یا ضمنی - قرار گیرد (کمیت بزرگ) به معنای «فراوان/ زیاد» خواهد بود.

در زبان‌های سبئی و حبشی *rab* تنها به صورت اسمی و در معنای تحول‌یافته نخست (سرور/ صاحب اختیار؛ مالک) کاربرد داشته است. برخی زبان‌شناسان عدم کاربرد وصفی *rab* در معنای «بزرگ» را نشانه‌ای مبنی بر وام‌واژه بودن آن دانسته و از آنجا که تحول معنایی *rab* از معنای «بزرگ» به معنای «سرور/ صاحب اختیار» را مخصوص زبان‌های سامی شمال غربی) دانسته‌اند (نک: Jeffery, 1938, p.136، که چنین احتمال داده)، منشأ وام‌گرفتنی *rab* را زبان‌های عبری و آرامی (زبان‌های یهودیان و مسیحیان شرقی) تلقی کرده‌اند (Margoliouth, 1914, vol.VI, p. 248) اما اولاً، با توجه به توضیح پیش گفته - که کاربرد *rab*

با توجه به مجموع بررسی‌های انجام شده بر فرهنگ‌های زبان‌های مختلف سامی و مصری که پیش از نزول قرآن کریم گفتگو می‌شده اند، نتایج زیر قابل حصول است:

الف) در تمامی زبان‌های سامی واژه *rab* - جز با اندکی تفاوت در نحوه تلفظ - در دو معنای اساسی به کار می‌رفته و سایر کاربردهای اسمی یا وصفی واژه‌های مشابه نیز در پیوند با یکی از این دو معنا بوده‌اند:

یکی معنای «بزرگ»؛ که هم به عنوان صفت برای یک موصوف به کار می‌رفته است و هم به عنوان لقب در معنایی همچون «رییس/ ارشد». پیوند معنایی مانند «رییس/ ارشد» با معنای «بزرگ» از نوع کاربرد صفت به جای موصوف است - یعنی «فرد بزرگ/ والا مقام» - و بر این اساس در مواردی که بتوان نوعی سلسله‌مراتب در نظر گرفت، واژه *rab* به بالاترین مرتبه اشاره دارد؛ مانند «صاحب اختیار/ سرور» در تقابل با «برده/ بنده»، «فرمانروا/ پادشاه» در تقابل با «فرمانبردار/ رعیت»، «فرمانده» در تقابل با «سرباز»، «کارفرما» در تقابل با «کارگر»، «آموزگار/

صورت فعلی *rabab* و *rabah/ rabā* یافت شده‌اند که می‌توان گفت صورت‌هایی مضاعف و ناقص بوده و نیز در فرهنگ‌های سریانی و سبئی این دو ریشه کاملاً مجزای از هم دانسته شده‌اند، اما با توجه به اینکه در کاربردهای مختلف هر دوی این ریشه‌ها هم معنای «بزرگی» و هم معنای «فراوانی» وجود داشته‌است، به نظر می‌رسد این دو ریشه در اصل به یک معنا بوده‌اند؛ چنان‌که برخی زبان‌شناسان بر این نظر بوده و این معنای واحد را «بزرگ و فراوان بودن/ شدن» دانسته‌اند (نک: Huehnergard, 2011, p.2076). برخی هم این دو ریشه را در اصل یک ریشه دوحرفی در زبان مشترک سامی دانسته‌اند: *r-b*؛ که در مراحل تحول زبانی تبدیل به ریشه‌ای سه‌حرفی شده‌است^{۱۱۴} و در زبان‌های سامی شرقی به صورت ناقص و در سایر زبان‌های سامی به دو صورت مضاعف و ناقص کاربرد یافته‌است، بدون آن‌که تفاوت معنایی چندانی حاصل شده باشد (نک: Botterweck, 2004, vol.13, p.273).
 (د) در زبان‌های مصری بررسی شده، واژه *nib* را می‌توان خویشاوند^{۱۱۵} واژه سامی *rab* دانست؛ چرا که از سویی معنا و کاربرد این دو واژه در زبان‌های مصری و سامی بسیار نزدیک به هم بوده‌است و از سوی دیگر، بر اساس دیدگاه‌های زبان‌شناسان حامی - سامی اولاً، این امکان هست که حرف *r* در واژه‌ای سامی با تغییری آوایی^{۱۱۶} به یکی از همخوان‌های *n, d* یا *r* در زبان‌های مصری تبدیل شود^{۱۱۷} (Orel and Stolbova, 1995, p.xx) و ثانیاً، واکه *a* سامی ممکن است در مصری به صورت *i* تلفظ شود (Orel and Botterweck, 2004, vol.13, p.274).
 ریشه *n-b* مصری در پیوند باشد).

به عنوان لقب/ اسم در معنای «مالک» یا «سرور» صاحب اختیار» همان کاربرد *rab* در معنای «بزرگ» است اما از نوع کاربرد صفت به جای موصوف - و ثانیاً، با توجه به این‌که کاربرد *rab* در معنایی همچون «رییس/ ارشد» و «سرور/ صاحب اختیار» در زبان‌های سامی (شمال) شرقی نیز، که صدها سال پیش از عبری و آرامی گفتگو می‌شده‌اند وجود داشته، این دیدگاه قابل قبول نمی‌نماید.

نکته بسیار بااهمیت این است که واژه *rab* تنها در زبان سبئی در سیاق دینی و در ترکیب‌هایی اضافی در اشاره به «خدای راستین/ خالق» به کار رفته‌است (برای بحث تفصیلی در این باره نک: بخش بعدی).

(ب) صورت‌های فعلی مرتبط با واژه *rab* در تمامی زبان‌های سامی دست‌کم در یکی از دو معنای «بزرگ بودن/ بزرگ شدن» و «زیاد بودن/ زیاد شدن» کاربرد داشته‌اند.
 تنها در زبان سبئی است که صورت فعلی آن به معنای «داشتن/ دارا بودن» (معادل *مَلِكٌ يَمْلِكُ* عربی) بوده‌است.

(ج) با توجه به این‌که ویژگی بارز زبان‌های سامی، ساخت واژگان بر اساس ریشه‌هایی مشترک و غالباً سه‌حرفی است، زبان‌شناسان به طور مشخص دو ریشه سه‌حرفی سامی را معرفی کرده‌اند که در پیوند با واژه‌های بررسی شده است: ریشه مضاعف *r-b-b* و ریشه ناقص *r-b-y/w*. به کار رفتن صورت‌های فعلی و اسمی یا وصفی پیش‌گفته در تمامی زبان‌های سامی، نشانگر این است که این دو ریشه اصلاً سامی بوده‌اند؛ یعنی چنین نبوده که از زبانی وارد زبانی دیگر شده باشند بلکه متعلق به زبان مادر/ مشترک سامی‌اند^{۱۱۸}.

هرچند در زبان‌هایی مانند عبری و آرامی، دو

۲. تحلیل دینی - فرهنگی

در بخش پیشین، واژه *rab* در زبان‌های هم‌خانواده زبان عربی در خانواده زبان‌های سامی بررسی و مشاهده شد که در آن زبان‌ها، واژه *rab* در کاربرد اسمی به عنوان نامی از نام‌های «خدای راستین/ خالق»^{۱۸} به کار نمی‌رفته و چنین کاربردی تنها در زبان سبئی و در اشاره به «خدای قوم یهود» به چشم می‌خورد. این امر بدان معناست که واژه *rab* تا اوایل قرن پنجم میلادی (نک: ادامه مقاله) در هیچ‌یک از زبان‌های سامی به عنوان نامی از نام‌های «خدای راستین/ خالق» کاربرد نداشته و کاربرد *rab* در این معنا از زبان سبئی نشأت گرفته و از آن به زبان عربی و سایر زبان‌های سامی راه یافته‌است.

پیش از بحث تفصیلی در این باره، لازم به ذکر است در این پژوهش زبان عربی کهن (پیشاکلاسیک)، یعنی لهجه‌ها/ گویش‌های عربی مورد استفاده در بازه زمانی بین قرن‌های سوم تا هفتم میلادی (پیش از اسلام)، از این رو بررسی نشده است که شواهد مربوط به عربی کهن نسبتاً اندک بوده و محدود به تعدادی کتیبه (عمده سنگ قبر) است که با بهره‌گیری از خطوط گوناگونی نوشته شده‌اند (Rubin, 2010, p.11) و هرچند مجموعه‌هایی از آثار ادبی و به‌ویژه اشعار منسوب به این دوره (عمده منسوب به قرن ششم میلادی) از قرن هشتم میلادی به بعد تدوین شده اما تا کنون به طور مشخص تنها دو سند تاریخی از اشعار نزدیک به این دوره کشف شده‌اند: یکی در جنوب شرقی صنعاء به خط عربی جنوبی ولی نه با یکی از زبان‌ها/ گویش‌های شناخته شده آن، دیگری در صحرای نگب (واقع در جنوب فلسطین اشغالی) به خط نبطی و به زبان عربی (کهن)؛ هر دو متعلق به

اواخر قرن نخست یا اوایل قرن دوم میلادی (نک: Hoyland, 2001, p.211-212). مواردی از کاربرد واژه «رب» عربی در اشاره به «خدای راستین/ خالق» در اشعار منسوب به قرن ششم میلادی به چشم می‌خورد که حتی با فرض صحت انتساب به آن دوره، کاربردی متأخر از *rab* سبئی دارند^{۱۹}.

در ادامه پس از معرفی شواهد باستان‌شناختی، با بررسی نام‌های «خدای راستین/ خالق» در متون دینی پیش از اسلام به مفهوم مورد اشاره *rab* سبئی در آن شواهد و سایر واژه‌های ناظر به آن مفهوم پرداخته و چگونگی راه‌یابی آن مفهوم در اشاره به «خدای راستین/ خالق» به زبان سبئی و کاربرد واژه *rab* در اشاره به آن مفهوم بررسی و در پی آن، به‌اختصار به راه‌یابی چنین کاربردی به حجاز و زبان عربی بستر نزول قرآن کریم پرداخته می‌شود.

۲-۱. شواهد باستان‌شناختی

تا کنون بیش از ۱۵۰۰۰ کتیبه از جنوب شبه جزیره عرب کشف شده‌اند که تنها در سه کتیبه، واژه *Rab* در اشاره به «خدای راستین/ خالق» به کار رفته است^{۲۰}. این سه کتیبه به زبان و خط سبئی و متعلق به اوایل قرن پنجم میلادی بوده‌اند و در آنها واژه *Rb* در ترکیب‌هایی اضافی و در اشاره به «خدای (قوم) یهود» دیده می‌شود:

عبارت *Rb yhd* در سطر دوم کتیبه CIH 543 (Abdallah, 1987, p.3-8)؛

عبارت *Rb hd* در سطر دوازدهم کتیبه Ja 1028 (Jamme, 1966, p.39-55)؛

و عبارت *Rb hwd* در سطر پنجم کتیبه Ry 515 (Ryckmans, 1953, p.314-315).

۲-۲-۱. متون مقدس یهودی

۲-۲-۱-۱. تَنخ ۱۴

تَنخ کتاب مقدس یهودیان است که به زبان عبری کهن بوده و مشتمل بر سه بخش تورات (اسفار پنجگانه)، نبییم (انبیا) و کتوبیم (مکتوبات) است و با تغییراتی در عهد قدیم (بخش نخست از کتاب مقدس مسیحیان) آمده است (نک: Clifford and Harrington, 2004, p.203-205).

در باب دوم از سفر پیدایش، اسم خاص «خدای قوم یهود» - که خالق جهان هستی است - *YHWH* (یهوه) دانسته شده (پیدایش ۲: ۴ به بعد) و در باب سوم از سفر خروج، پس از بیان نحوه مبعوث شدن موسی (ع) و پرسش وی از «خدا» که او را با چه نامی به بنی اسرائیل معرفی کند، چنین آمده است:

: یهوه،

اله پدران شما، اله ابراهیم، اله اسحق و اله یعقوب مرا نزد شما فرستاده؛ این، نام من است برای همیشه» (خروج ۳: ۱۵).

از آنجا که دست کم از سده سوم پیش از میلاد، جهت رعایت حرمت و قداست، تلفظ *YHWH* ممنوع بوده و در نگارش نیز تنها حرف‌نگاری می‌شده و حرکت‌گذاری نمی‌شده‌است، نحوه صحیح تلفظ آن مبهم بوده و یهودیان به جای این اسم، عبارت *Adonāy* که خود وصفی از *YHWH* در تنخ بوده‌است را ادا می‌کرده‌اند. واژه *adon* در زبان عبری کهن به معنای «سرور/ صاحب اختیار» و *adonā* در اصل صورت جمع *adon* است اما - مانند واژه *elohim* (جمع *eloah*، معادل «إله» عربی) - هرگاه در اشاره به *YHWH* به کار رود، به صورت مفرد ترجمه می‌شود.

از آنجا که در هر سه کتیبه واژه *Rab* در ترکیب اضافی با واژه «یهود» و در اشاره به «خدای راستین/ خالق» آمده، باید دید اولاً، مفهوم مورد اشاره عبارت «رب یهود» و در حقیقت نام «خدای خالق» در بافت دینی یهودیت (و مسیحیت) چه بوده‌است و ثانیاً، چنین مفهومی چگونه به زبان و فرهنگ سبئی راه یافته‌است.

۲-۲. نام‌های «خدا» در متون مقدس یهودی و مسیحی

ادیان ابراهیمی اعم از یهودیت، مسیحیت و اسلام، هر سه به وجود یک «خدای راستین/ خالق» باور دارند که خالق جهان هستی است و عالم مطلق و قادر مطلق بوده و از این رو تنها اوست که شایسته عبادت است. هرچند در مسیحیت بر اساس اعتقادنامه نیقیه ۱۳۱ - که در سال ۳۲۵ میلادی تصویب شد - تثلیث ۱۳۲ به عنوان اصل اعتقادی در نظر گرفته شده اما کماکان خالق جهان هستی یک موجود (خدای پدر) دانسته می‌شود؛ ضمن این‌که برخی فرقه‌ها خود را مسیحی می‌دانند اما تثلیث را نمی‌پذیرند ۱۳۳. آنچه برای این پژوهش اهمیت دارد این است که نام این «خدای خالق» در متون مقدس یهودی و مسیحی چه بوده‌است و واژه *rab*، که در زبان سبئی در اشاره به «رب یهود» به کار رفته است، دقیقاً به چه مفهومی اشاره دارد.

در اینجا به اختصار نام‌های «خدای راستین/ خالق» در متون مقدس یهودی و مسیحی، که تا قرن پنجم میلادی این امکان بوده که گویشوران به زبان سبئی به طور مستقیم به آن متون دسترسی داشته باشند یا با مفاهیم اساسی آنها به طور غیر مستقیم (و به واسطه ارتباط تجاری، فرهنگی، سیاسی یا دینی با یهودیان و مسیحیان) آشنا بوده باشند، بررسی می‌شود.

در چنین شرایطی ترکیب اضافی *'adonāy* به معنای «سرور من / صاحب من» است.

ناگفته نماند در مواردی که عبارت *'Adon(āy)* *YHWH* هر دو در کنار هم در متن تنخ به کار رفته^{۱۲۵} به صورت *'Elohīm 'Adon(āy)* تلفظ می‌شده است (Hartman and Sperling, 2007, p.674-675).

۲-۱-۲-۲. هفتادگانی^{۱۲۶}

هفتادگانی یا سبعینیه مجموعه‌ای مهم از متون دینی یهودی شامل تمام تنخ و بعضی متون کهن عبری و آرامی است که در میانه سده سوم پیش از میلاد به دستور بطلمیوس دوم فیلادلفوس پادشاه مصر توسط حدود هفتاد دانشمند یهودی در اسکندریه مصر به زبان یونانی ترجمه شد (نک: Greenspoon, 2007, p.595-598).

در سراسر هفتادگانی، *YHWH* (اسم خاص خدای یهود) به *Kyrios* ترجمه شده است. واژه *kyrios* در زبان یونانی به معنای «سرور / صاحب اختیار» است (Hartman and Sperling, 2007, p.675).

۲-۱-۲-۲. ترگوم‌ها^{۱۲۷}

ترگوم‌ها ترجمه‌های تفسیری دانشمندان یهودی از متن عبری تنخ اند که در مراسم مذهبی برای یهودیان غیر عبری‌زبان (عمده آرامی‌زبان) از سده ششم پیش از میلاد - که زبان آرامی به مدت سه قرن زبان رسمی نیمه غربی امپراتوری پارس بود - قرائت می‌شدند اما نگارش عمومی آنها تا قرن یکم میلادی ممنوع بود (نک: Grossfeld and Sperling, 2007, p.588-595). در قدیمی‌ترین مکتوبات / نسخه‌های خطی موجود از ترگوم‌ها (به زبان آرامی)، که متعلق به دوران پیش

از میلاد مسیح (ع) بوده و در دهه ۱۹۵۰ میلادی از قُمران (در شمال غرب دریای مرده و جنوب اریحا واقع در فلسطین اشغالی) کشف شده‌اند،^{۱۲۸} واژه *Mār' / Māry* در توصیف *YHWH* (اسم خاص خدای یهود) به کار رفته است؛ از جمله در مکتوبه QtgJob 11 در آیات ۶ و ۷ از باب ۲۴ کتاب ایوب، که ترجمه آیه ۱۲ از باب ۳۴ کتاب ایوب (کتاب هجدهم از عهد قدیم رسمی) است. همچنین در مکتوبه QapGen 1 در آیه ۱۳ از باب ۲۰ سفر پیدایش غیررسمی^{۱۲۹} عبارت *Mry lkwl 'lmym* (معادل عبارت «مَرءٌ لکلِّ عَالَمِین» در زبان عربی) به کار رفته است (Fitzmyer, 1998, p.222). در مکتوبه 4QEn 1 iii در آیه ۴ از باب ۹ نسخه آرامی کتاب اخنوخ^{۱۳۰} (از بخش‌های غیررسمی کتاب مقدس) عبارت‌های *Mrnā rbā*^{۱۳۱} (معادل عبارت «مَرؤنا العظیم» در زبان عربی) و *Mr' 'lm'(/ā)* (معادل عبارت «مَرءُ العَالَم» در زبان عربی) و در مکتوبه 4QEn 1 iv در آیه ۸ از باب ۱۰ کتاب اخنوخ هم واژه *Mryā* به کار رفته است (Milik, 1976, p.171-172, 175). واژه *mār(ā) / mār' / māry* در زبان آرامی به معنای «سرور / صاحب اختیار» است (نک: Jastrow, 1903, vol.2, p.724, 834, 842).

۲-۲-۲. متون مقدس مسیحی

۲-۲-۲-۱. کتاب مقدس^{۱۳۲}

در کتاب مقدس رسمی مسیحیان، که شامل دو بخش کلی عهد قدیم / عتیق^{۱۳۳} و عهد جدید^{۱۳۴} است، اسم خاص «خدای خالق» (*YHWH*) تنها در عهد قدیم - که بیشتر آن به زبان عبری نوشته شده - به کار رفته است و در عهد جدید - که دانشمندان بر این

در اثر انشعاب مسیحیت شرقی به دو فرقه نسطوری و یعقوبی در قرن پنجم میلادی، دو نسخه متفاوت از پشیطتا موجود بوده که به دو خط متفاوت - سریانی شرقی (نسطوری) و سریانی غربی (سرطو) - نگارش شده بودند و در قرن‌های پنجم و ششم میلادی، نسخه سریانی شرقی با هفتادگانی، که متن رسمی مناطق تحت سلطه امپراتوری روم شرقی بود، مطابقت داده و در نتیجه با آن آمیخته شد (برای اطلاعات بیشتر نک: (Spierling, 2007, p.599-600).

در پشیطتا به جای *YHWH* (اسم خاص خدای خالق) واژه *Moryo* به کار رفته است. این واژه سریانی هم به معنای «سرور / صاحب اختیار» است (Payne Smith, 1903, p.298).

در این جا برای مقایسه بهتر، واژه‌های بررسی شده در جدول زیر می‌آیند:

جدول ۱۳: نام‌های خدا در متون دینی یهودی و مسیحی

ردیف	معنا	واژه (نام خدا)	متن مرجع	زبان	دین
۱	سرور / صاحب اختیار	'Adon(āy)	تنخ	عبری	یهودیت
۲	//	Kyrios	هفتادگانی	یونانی	//
۳	//	Mār' / Māry	ترگوم‌ها	آرامی	//
۴	//	'Adon(āy)	عهد قدیم	عبری	مسیحیت
۵	//	Kyrios	عهد جدید	یونانی	//
۶	//	Moryo	پشیطتا	سریانی	//

در زبان‌های عبری، آرامی و سریانی واژه *rab* وجود داشته و در معنای «بزرگ / والا مقام» و «سرور / صاحب اختیار» کاربرد داشته است (نک: بخش نخست مقاله) اما در هیچ‌یک از متون مقدسی که به آن زبان‌ها بوده، دست‌کم تا قرن پنجم میلادی، واژه *Rab* به عنوان نامی از نام‌های «خدای راستین / خالق» به کار نرفته است.^{۱۳۷}

باورند از ابتدا به زبان یونانی نگارش شده^{۱۳۵} - این اسم به کار نرفته است اما دو اسم *Theos* و *Kyrios* برای اشاره به «خدای خالق» به کار رفته که به ترتیب معادل *Elohīm* و *'Adonāy* عبری بوده‌اند (Vermeulen, 2005, p.1094). همان گونه که پیش‌تر گفته شد هر دو واژه *'Adonāy* عبری و *Kyrios* یونانی به معنای «سرور / صاحب اختیار» اند.

۲-۲-۲-۲. پشیطتا^{۱۳۶}

پشیطتا ترجمه سریانی بخش‌های رسمی کتاب مقدس (شامل عهد قدیم و عهد جدید) و بعضی بخش‌های غیررسمی آن است، که کتاب مقدس مسیحیان شرقی بوده و مستقیماً از متن عبری عهد قدیم (بدون واسطه ترگوم‌ها) و متن یونانی عهد جدید احتمالاً در قرن سوم میلادی ترجمه شده است؛ هرچند

بنا بر آنچه گفته شد، در یهودیت و مسیحیت اسم خاص «خدای راستین / خالق» *YHWH* بوده است اما جهت رعایت حرمت و قداست تلفظ نمی‌شده و به جای آن، وی با واژه‌هایی که همگی به معنای «سرور / صاحب اختیار» بوده اند توصیف می‌شده است. آنچه برای این پژوهش اهمیت ویژه دارد این است که هرچند

۲-۳. آشنایی ساکنان جنوب شبه جزیره عرب با یهودیت و مسیحیت

در اینجا به اختصار به امکان آشنایی مردم جنوب شبه جزیره عرب با نام «خدا» و سایر مفاهیم اساسی یهودیت و مسیحیت، که برگرفته از متون مقدس یهودی و مسیحی بوده‌اند، پرداخته می‌شود. به نظر می‌رسد کلید این آشنایی، پیوند وثیق فرهنگی میان مردم جنوب شبه جزیره عرب به‌ویژه ساکنان سبأ و مردم حبشه از هزاره نخست پیش از میلاد بوده است تا آنجا که، همان گونه که پیش‌تر گفته شد، زبان سبئی تأثیر فراوانی بر زبان حبشی داشته و الفبای حبشی برگرفته از الفبای سبئی بوده است. این پیوند فرهنگی به دلایل مختلف تجاری، فرهنگی، سیاسی و به‌ویژه دینی بوده است.

در خصوص پیوند دینی ساکنان سبأ و اهل حبشه گفتنی است از سویی در حبشه پیش از مسیحیت و یهودیت، بعضی از خدایان دروغین جنوب شبه جزیره عرب مورد پرستش بوده‌اند (در مورد دین حبشیان پیش از مسیحیت نک: Munro-Hay, 1991, p.196-202) و از سوی دیگر، در قرن‌های بعد و تحت تأثیر سلطه حکمرانان حبشی بر بخش‌هایی از جنوب شبه جزیره عرب، حکمرانان جنوب شبه جزیره از اواخر قرن چهارم میلادی به یهودیت گرویده و در جهت گسترش یهودیت تلاش می‌کرده‌اند که در اثر آن، برخی ساکنان جنوب شبه جزیره هم به یهودیت گرویدند^{۱۳۸}. برخی دیگر از ساکنان جنوب شبه جزیره نیز مسیحی بوده^{۱۳۹} و با کلیسای مسیحی اتیوپی در ارتباط بوده‌اند^{۱۴۰} چراکه دین رسمی حبشه از قرن چهارم میلادی مسیحیت بوده است (Munro-Hay, 1991, p.202).

بنا بر آنچه به اختصار گفته شد، آشنایی گویشوران به زبان سبئی با نام «خدا» و سایر مفاهیم اساسی یهودیت و مسیحیت در قرن‌های چهارم و پنجم میلادی طبیعی به نظر می‌رسد^{۱۴۱}.

۲-۴. معنای «رب یهود» در کتیبه‌های سبئی

عبارت *Rb (y)h(w)d* در هر سه کتیبه مورد بحث، در اشاره به «خدای اسرائیل/ قوم یهود» به کار رفته است. از آنجا که *YHWH* - «خدای خالق» در یهودیت - همواره با واژه‌های *'adon* عبری و *kyrios* یونانی - که به معنای «سرور/ صاحب اختیار» بوده‌اند - توصیف می‌شده است، باید واژه‌های دارای این مفهوم را در زبان سبئی پی گرفت.

در زبان‌های سبئی و حبشی، واژه‌ای که معنایی نزدیک به *'adon* عبری و *kyrios* یونانی داشته واژه *mlk* سبئی و *'amlāk* / *mlk* گعز بوده است که هم به معنای «سرور/ صاحب اختیار» (معادل «مالک» عبری) و هم به معنای «پادشاه» (معادل «مَلِک» عبری) بوده (Leslau, 1991, p.277; Biella, 1982, p.344) و دست‌کم در زبان گعز در وصف «خدای راستین/ خالق» به کار می‌رفته است (از جمله در نسخه حبشی کتاب اخنوخ (۸۱: ۱۰)، که عبارت *'amlāka 'ālam* (معادل عبارت «مَلِک/ مالک العالم» در زبان عربی) به کار رفته است. نک: Knibb, 1978, vol.1, p.270, vol.2, p.141). گفتنی است عبارت *melek ha'olām* عبری (معادل «مَلِک العالم» عبری) در توصیف *YHWH* در عهد قدیم (مزمیر ۱۰: ۱۶) هم به کار رفته و از دیرباز در نیاپش‌های یهودیان کاربرد فراوان داشته است^{۱۴۲}.

با توجه به کاربرد صورت فعلی *rb* در زبان سبئی

«الله/ الرحمن» و به عنوان یکی از نام‌های خدا کاربرد یافته، در پنج آیه به‌صراحت در معنای انسانی «سرور/ صاحب اختیار» و در ارجاع به «ملک/ فرعون» مصر به کار رفته، و در ۱۲ آیه به صورت جدلی به «إله/ معبود دروغین» مورد ادعای مخالفان پیامبران اشاره داشته‌است.^{۱۴۳}

با توجه به فقدان شواهد کافی باستان‌شناختی برای زبان عربی کهن (پیشاکلاسیک)، در این باره که کاربرد «رب» در زبان عربی بستر نزول قرآن کریم در معنای «سرور/ صاحب اختیار» مختص خود این زبان بوده یا متأثر از مناطق همجوار بوده‌است، نمی‌توان به‌طور قطعی اظهار نظر کرد؛ اما با توجه به خلأی که در دیدگاه‌های فرهنگ‌نویسان متقدم در تبیین مبدأ اشتقاق «رب» وجود داشته‌است - که هرچند صورت اسمی «رب» را از ریشه مضاعف ربب و به معنای «مالک» دانسته‌اند اما با توجه به این که صورت فعلی مجرد ربّ یربُّ در معنای مَلِكْ یَمْلِكُ کاربرد نداشته، پیوند معنایی میان صورت اسمی «رب» و صورت فعلی مجرد ریشه مضاعف ربب روشن نبوده و در نتیجه و بر اساس دیدگاه‌های خود فرهنگ‌نویسان متقدم در باب اشتقاق (لزوم قرابت توأمان ریشه و معنا)، صورت اسمی «رب» نمی‌توانسته مشتق از صورت فعلی مجرد ربب بوده باشد؛ و این دیدگاه که برخی از فرهنگ‌نویسان متقدم هم برای حل این مشکل، مبدأ اشتقاق «رب» را «تریبه» دانسته‌اند هرچند تا حدی می‌توانسته خلأ پیوند معنایی «رب» را با کاربردهای فعلی مزید ربی یربی برطرف سازد، اما خلأ جدیدی را در پیوند ریشه «رب» که ربب بوده با ریشه «تریبه» که ربو بوده ایجاد کرده‌است؛ چرا که پیوند میان ریشه‌های ربب و ربو برای آنان آشکار نبوده‌است (نک: خوانین‌زاده و

در معنای «داشتن/ دارا بودن» (معادل «مَلِكْ یَمْلِكُ» عربی)، واژه‌ای سبئی که می‌توانسته جایگزین *mlk* شده و در معنایی معادل *'Adonāy* عبری، *Kyrios* یونانی، *Mār' / Māry* آرامی و *Moryo* سریانی کاربرد یابد، واژه *rab* بوده‌است. بر این اساس، مفهوم مورد اشاره واژه *Rab* سبئی در عبارت *Rb (y)h(w)d* نیز همان مفهوم «سرور/ صاحب اختیار» در اشاره به «خدای یهود» و در اصل خدای یهودیت (و مسیحیت) بوده‌است. البته کاربرد واژه *rab* سبئی در معنای «سرور/ صاحب اختیار» لزوماً منحصر به سیاق دینی نبوده‌است و می‌توانسته در سیاق انسانی نیز کاربرد یابد؛ همان گونه که در سایر زبان‌های سامی نیز چنین بوده‌است.

۲-۵. چگونگی راه‌یابی *rab* سبئی به حجاز و زبان

عربی بستر نزول قرآن کریم

بر اساس دیدگاه‌های فرهنگ‌نویسان متقدم، واژه «رب» در زبان عربی از پیش از اسلام در معنای «مالک» به کار می‌رفته‌است که می‌توانسته در تقابل با شیء مملوک (تقابل «رب - ملک»)، انسان مملوک (تقابل «رب - عبد») یا هر دو و به معنای «ملک: پادشاه/ فرمانروا» (تقابل «رب - ملک») بوده باشد و در دو صورت اخیر، «رب» به معنای «سرور/ صاحب اختیار» بوده است (نک: خوانین‌زاده و نجارزادگان، ۱۳۹۳، ص ۴۴-۴۷). چنین کاربردهایی در اشعار منسوب به دوران پیش از اسلام (جاهلی) فراوان به چشم می‌خورد. همان‌گونه که پیش‌تر هم آمد، در اشعار منسوب به پیش از اسلام کاربرد «رب» در اشاره به «خدای راستین/ خالق» نیز یافت شده‌است.

در قرآن کریم، واژه «رب» ۹۵۸ بار در اشاره به

نजारادگان، ۱۳۹۳، ص ۶۱-۶۳) - به نظر می‌رسد کاربرد صورت اسمی «رب» در معنای «مالک» متأثر از مناطق همجوار بوده‌است.

با توجه به یافته‌های بخش پیشین مقاله، تنها زبانی سامی که در آن صورت فعلی مجرد *rb* در معنای «داشتن / دارا بودن» (معادل «مَلِكٌ يَمْلِكُ» عربی) کاربرد داشته زبان سبئی بوده‌است. بر این اساس، به نظر می‌رسد کاربرد صورت اسمی «رب» در معنای «مالک» در زبان عربی کهن (پیشاکلاسیک) برگرفته از زبان سبئی بوده باشد و در نتیجه، کاربرد *Rab* سبئی در مفهوم «سرور / صاحب اختیار» در اشاره به «خدای راستین / خالق» و به عنوان نامی از نام‌های وی نیز به همین ترتیب از زبان سبئی نشأت گرفته و به عربی کهن (پیشاکلاسیک) راه یافته‌است و چنین کاربردی در سایر زبان‌های سامی سابقه نداشته‌است (قس: Horovitz, 1964, p.56 و Robin, 2003, p.115 که منشأ کاربرد واژه *rab* در سیاق دینی به معنای «سرور / صاحب اختیار» را زبان سبئی دانسته‌اند).

تنها نکته باقی‌مانده این است که چگونگی پیوند فرهنگی ساکنان سبأ با اهل حجاز روشن شود. در این باره به‌اختصار گفتنی است در بعضی کتیبه‌های کشف‌شده از مدائن صالح / حِجْر (واقع در العُلا بین مدینه و تبوک) کتیبه‌هایی به زبان‌های عربی جنوبی یافت شده‌اند (نک: Huehnergard, 1995, p.2120) و برخی دانشمندان، دلیل وجود خطوط عربی جنوبی در این مناطق را مهاجرت گروهی از قبایل جنوبی به بعضی مناطق شمالی مانند حجاز و صحرای سینا و تسلط بر آن مناطق در سده دوم پیش از میلاد دانسته‌اند (ولفسون، ۲۰۰۱، ص ۱۵۴). همچنین رفت و آمد تجاری اعراب جنوبی به دیدان (در نزدیکی

مدائن صالح / حِجْر) جهت تجارت با مصر از طریق عرض دریای سرخ - سفری که ۵ روز طول می‌کشیده است - در طی قرن‌های مختلف فراوان بوده (علی، ۱۴۲۲، ج ۳، ص ۲۴۲) و از همین رو زمینه اختلاط با اعراب شمالی فراهم بوده‌است. طبیعی است که در نتیجه چنین پیوندهایی، تبادل فرهنگی و دینی هم میان اعراب جنوبی و اعراب شمالی ساکن حجاز روی می‌داده‌است.

۶-۲. نقد دیدگاه‌های برخی دانشمندان غربی در باره منشأ عبارت قرآنی «ربّ العالمین»

برخی زبان‌شناسان، عبارت قرآنی «ربّ العالمین» را معادل *ribbono shel 'olām* در سنت یهودی دانسته و بر این اساس، احتمال داده‌اند واژه «رب» از یهودیان یا مسیحیان وام‌گرفته شده باشد (Margoliouth, 1914, vol.VI, p.248). ضمن توجه به این که برخی از دانشمندان غربی در این وام‌گیری تردید داشته‌اند به این دلیل که اولاً، کاربرد واژه *olām* در سنت یهودی - که همواره به صورت مفرد به کار رفته - با کاربرد واژه «العالمین» - که در قرآن کریم همواره به صورت جمع به کار رفته - متفاوت بوده‌است (Horovitz, 1964, p.56) و ثانیاً، برخی دیگر از دانشمندان غربی «رب» را در ترکیب قرآنی «ربّ العالمین» واژه‌ای کاملاً عربی دانسته‌اند (Torry, 1933, p.52)، در نقد این دیدگاه باید گفت عبارت *ribbono shel 'olām* هرچند به طور گسترده در بعضی مناجات‌ها و مراسم مذهبی یهودیان (عمدهً اروپایی) قرائت می‌شده‌است اما به نظر می‌رسد عبارتی به زبان عبری کهن که در متون مقدس یهودی به کار رفته باشد نیست؛ بلکه عبارتی است که در

ترجمه‌های متقدم عربی کتاب مقدس نک:
(Vollandt, 2015, p.94, 96, 193).

به همین ترتیب دیدگاه‌های برخی دیگر از دانشمندان غربی در باره منشأ کاربرد «رب» عربی در اشاره به «خدای راستین/ خالق» خدشه‌پذیر است؛ چرا که علاوه بر تردید و اختلاف نظر در این باره که منشأ آن یهودی یا مسیحی شرقی است (نک: Jeffery, 1938, p.137)، به دوره زمانی کاربردهای واژه *Rab* در اشاره به خدا در متون یهودی و مسیحی توجه نداشته‌اند؛ کاربردهایی که با توجه به شواهد موجود، همگی متأخر از ظهور و فراگیری اسلام در قرن هفتم میلادی اند. برای نمونه، اسپرنگر دیدگاه خود را تنها بر دیدگاه ابن اسحق استوار ساخته که در ترجمه آیاتی از انجیل یوحنا، خدای پدر را «الرب» نامیده‌است (Sprenger, 1869, vol. I, p.299). با توجه به این که ابن اسحق، دانشمندی مسلمان در گذشته حدود سال ۱۵۰ هجری / ۷۶۱ میلادی بوده، طبیعی است واژه «رب» عربی را - که هم به معنای «سرور/ صاحب اختیار» بوده و می‌توانسته به جای *Kyrios* یونانی یا *Moryo* سریانی موجود در عهد جدید در اشاره به خدا به کار رود، و هم در قرآن کریم پرکاربردترین نام خدا پس از اسم جلاله الله است - برای اشاره به خدای مسیحیان به کار برده باشد. هورویتس نیز اساساً وام‌گرفتنی «رب» عربی را منتفی دانسته و تنها در این باره که ترکیب شدن «رب» با «العالمین» در عبارت قرآنی «رب العالمین» برگرفته از مناجات‌های یهودیان باشد تردید کرده‌است (Horovitz, 1964, p.56).

زبان ییدیش^{۱۴۴} در توصیف *YHWH* به کار می‌رفته است (نک: Nulman, 1995, p.277-278). ییدیش زبانی است که توسط یهودیان اشکنازی^{۱۴۵} (ساکن اروپای شرقی و مرکزی) در پایان هزاره نخست میلادی و بر پایه زبان آلمانی ولی با استفاده از الفبا و خط عبری به کار گرفته‌شده و از قرن دوازدهم میلادی به بعد فراگیر شده‌است (نک: Weinreich, 2007, p.332-333).

با توجه به تأخر زمانی کاربرد عبارت *ribbono shel 'olām* در میان یهودیان (در پایان هزاره نخست میلادی) نسبت به کاربرد عبارت «رب العالمین» در قرآن کریم در قرن هفتم میلادی، به نظر می‌رسد این عبارت برگرفته از عبارت قرآنی «رب العالمین» است نه بالعکس؛ بدین صورت که با توجه به مفهوم یکسان عبارت *ribbono shel 'olām* ییدیش با *melek ha 'olām* عبری، و از آنجا که - همان گونه که پیش‌تر نیز گفته شد - عبارت *melek ha 'olām* عبری در توصیف *YHWH* در عهد قدیم و مناجات‌های یهودیان به کار می‌رفته‌است، به نظر می‌رسد واژه *melek* عبری در ترکیب مذکور ابتدا به زبان عربی راه یافته، و با توجه به کاربرد فراوان عبارت قرآنی «رب العالمین» در زبان عربی و فرهنگ اسلامی، به «رب» ترجمه شده و بعدها از عربی به *ribbono* ییدیش ترجمه شده است. این تبادل مفهومی - واژگانی، در ترجمه اسم خاص *YHWH* به «الله» و نام‌های خدا (*'Adonāy* عبری، *Kyrios* یونانی، *Mār' / Māry* آرامی و *Moryo* سریانی) به «الرب» در ترجمه‌های عربی کتاب مقدس در دوره اسلامی هم فراوان به چشم می‌خورد (برای نمونه‌هایی از

نتیجه

۱. در تمامی زبان‌های سامی واژه *rab* - جز با اندکی تفاوت در نحوه تلفظ - در دو معنای اساسی به کار می‌رفته و سایر کاربردهای اسمی یا وصفی واژه‌های مشابه نیز در پیوند با یکی از این دو معنا بوده‌اند: یکی معنای «بزرگ»؛ که هم به عنوان صفت برای یک موصوف به کار می‌رفته‌است و هم به عنوان لقب در معنایی همچون «رییس / ارشد». پیوند معنایی مانند «رییس / ارشد» با معنای «بزرگ» از نوع کاربرد صفت به جای موصوف است - یعنی «فرد بزرگ / والا مقام» - و بر این اساس، در مواردی که بتوان نوعی سلسله‌مراتب در نظر گرفت، واژه *rab* به بالاترین مرتبه اشاره دارد؛ مانند «صاحب اختیار / سرور» در تقابل با «برده / بنده»، «فرمانروا / پادشاه» در تقابل با «فرمانبردار / رعیت»، «فرمانده» در تقابل با «سرباز»، «کارفرما» در تقابل با «کارگر»، «آموزگار / استاد» در تقابل با «شاگرد / مرید» و ۴؛ دیگری معنای «فراوان / زیاد». البته به نظر می‌رسد این معنا را نیز می‌توان در پیوند با معنای نخست دانست؛ بدین ترتیب که هرگاه «بزرگ» وصفی برای «کمیت / مقدار / تعداد» - به صورت صریح یا ضمنی - قرار گیرد (کمیت بزرگ) به معنای «فراوان / زیاد» خواهد بود. تنها در زبان سبئی است که واژه *rab* در سیاق دینی و در ترکیب‌هایی اضافی در اشاره به «خدای راستین / خالق» به کار رفته‌است.

۲. صورت‌های فعلی مرتبط با واژه *rab* در تمامی زبان‌های سامی دست‌کم در یکی از دو معنای «بزرگ بودن / بزرگ شدن» و «زیاد بودن / زیاد شدن» کاربرد داشته‌اند. تنها در زبان سبئی است که صورت فعلی آن به معنای «داشتن / دارا بودن» (معادل *مَلِكٌ يَمْلِكُ* عربی) بوده‌است.

۳. با توجه به این که در کاربردهای مختلف هر دو ریشه مضاعف *r-b-b* و ناقص *r-b-y/w* در تمامی زبان‌های سامی هم معنای «بزرگی» و هم معنای «فراوانی» وجود داشته‌است، به نظر می‌رسد این دو ریشه اولاً، اصالتاً سامی بوده‌اند و چنین نبوده که از زبانی وارد زبانی دیگر شده باشند بلکه متعلق به زبان مادر / مشترک سامی‌اند و ثانیاً، هر دو ریشه در اصل به یک معنا بوده‌اند؛ چنان‌که برخی زبان‌شناسان بر این نظر بوده و این معنای واحد را «بزرگ و فراوان بودن / شدن» دانسته‌اند. برخی هم این دو ریشه را در اصل یک ریشه دوحرفی در زبان مشترک سامی دانسته‌اند: *r-b*؛ که در مراحل تحول زبانی تبدیل به ریشه‌ای سه‌حرفی شده‌است.

۴. واژه *nib* مصری را می‌توان خویشاوند واژه سامی *rab* دانست؛ چرا که از سویی معنا و کاربرد این دو واژه در زبان‌های مصری و سامی بسیار نزدیک به هم بوده‌است و از سوی دیگر، بر اساس دیدگاه‌های زبان‌شناسان حامی - سامی اولاً، این امکان هست که حرف *r* در واژه‌ای سامی با تغییری آوایی به یکی از همخوان‌های *l* یا *n* در زبان‌های مصری تبدیل شود و ثانیاً، واکه *a* سامی ممکن است در مصری به صورت *i* تلفظ شود.

۵. واژه *rab* سبئی در اشاره به «خدای راستین / خالق» در ترکیب‌هایی اضافی به صورت *Rb (y)h(w)d* در سه کتیبه سبئی متعلق به اوایل قرن پنجم میلادی و در اشاره به «خدای اسرائیل / قوم یهود» به کار رفته‌است. از آن‌جا که اولاً، *YHWH* (اسم خاص «خدای خالق» در یهودیت) در متون مقدس یهودی و مسیحی همواره با واژه‌های *Adon(āy)* عبری، *Kyrios* یونانی، *Mār' / Māry* آرامی و *Moryo* سریانی

«خدای یهود» و در اصل خدای یهودیت و مسیحیت بوده است.

۶. هر چند *rab* واژه‌ای اصالتاً سامی و متعلق به زبان مادر/ مشترک سامی بوده و در تمامی زبان‌های سامی از جمله عبری، آرامی و سریانی (که زبان‌های دینی یهودیان و مسیحیان شرقی بوده‌اند) در دو معنای - اسمی یا وصفی - «بزرگ» و «فراوان» به کار می‌رفته است اما کاربرد صورت اسمی آن در مفهوم «سرور/ صاحب اختیار» در اشاره به «خدای راستین/ خالق» و به عنوان نامی از نام‌های وی، از زبان سبئی نشأت گرفته است و از طریق زبان سبئی به زبان عربی کهن (پیشاکلاسیک) و سایر زبان‌های سامی راه یافته و چنین کاربردی در سایر زبان‌های سامی سابقه نداشته است.

توصیف می‌شده است و همه این واژه‌ها به معنای «سرور/ صاحب اختیار» بوده‌اند و ثانیاً، واژه *mlk* سبئی و گعز معنایی نزدیک به *'adon* عبری و *kyrios* یونانی داشته است که هم به معنای «سرور/ صاحب اختیار» (معادل «مالک» عربی) و هم به معنای «پادشاه» (معادل «مَلِك» عربی) بوده و در وصف «خدای راستین/ خالق» به کار می‌رفته است و ثالثاً، صورت فعلی *rb* سبئی نیز به معنای «داشتن/ دارا بودن» (معادل *مَلِكَ يَمْلِكُ* عربی) بوده است، واژه‌ای سبئی که می‌توانسته جایگزین *mlk* شده و در معنایی معادل *'Adonāy* عبری، *Kyrios* یونانی، *Mār/ Māry* آرامی و *Moryo* سریانی کاربرد یابد واژه *rab* بوده است. بر این اساس، مفهوم مورد اشاره واژه *Rab* سبئی در کتیبه‌های مورد بحث نیز همان مفهوم «سرور/ صاحب اختیار» در اشاره به

ضمائم

کتیبه ۱: CIH 543



6 [.]w [... ...]

ترجمه انگلیسی:

- 1 May bless and be blessed, the name of R mnn, who is in the heaven, and Israel and
- 2 their god, the lord of the Jews, who assisted his servant S²hrm,
- 3 his mother Bdm, his wife S²ms¹m, their
- 4 children mm, bs and M r-
- 5 m, and all the members of his house [... ...]

متن حروف‌نگاری شده کتیبه (Abdallah, 1987, p.3-8):

- 1 [b]rk w-tbrk s¹m R mnn -b-s¹myn
w-Ys³r¹l w-
- 2 'lh-hmw rb-Yhd -hrd(') 'bd-hmw
S²hrm w-
- 3 'm-hw Bdm w- s²kt-hw S²ms¹m w-
'l-
- 4 wd-hmy mm w-'bs²'r (w)-M r-
- 5 m w-kl bh -h [... ...]

کتیبه ۲: Ja 1028



8 [b]-b rn bn bs²t w-y n'nn
s¹s¹lt Mdbn w-k-kl - krw b- n
ms¹ndn mhrgtm w-gnmm w-
mqrntm f-k-s¹b'tm ' —
9 dh -qflw 'bt-hmw b- l t 's²r
'wr m w-l-ybrkn R mnn bny-
hw S²r b'l Ykml w-H'n 's¹r
bny L y't
10 w-L y't Yr m bn S¹myf' w-
Mr d'ln Ymgd bn S²r 'l 'lht
Yz'n wr -hw -M r'n -l- l t
w- l y
11 w-s¹t m'tm w-k-b- frt s¹myn
w-'r n w-' ' n 's¹dn n ms¹ndn
bn kl s¹s¹m w-m d'm w-
R mnn 'lyn b—
12 n kl m d'm n ms¹[ndn] wtf
w-s¹r w-qdm 'ly s¹m R mnn
wtf Tmmm - yt rb-Hd b-
m md

متن حروف‌نگاری شده کتیبه (Jamme, 1966, p.39-55):

1 l-ybrkn 'ln -l-hw s¹myn w-
'r n mlkn Yws'f 's¹r Y 'r mlk kl
's²'bn w-l-ybrkn 'qwl n
2 L y't Yr m w-S¹myf' 's²w'
w-S²r 'l Yqbl w-S²r b'l 's¹'d
bny S²r b'l Ykml 'lht Yz'n w-
Gdnm —
3 rw mr'-hmw mlkn Yws'f
's¹r Y 'r k-dhr qls¹n w-hrg
'bs²n b- fr w-'ly rb 's²'rn
w-Rkbn w-Fr—
4 s¹n w-M wn w-'ly rb w-
mqrnt Ngrn w-t n' s¹s¹ltn
Mdbn w-[k]-hmw 'm-hw w-k-
y kyn-hmw b-gys²m w-k- -hfl
5 w-hf'n mlkn b-hyt s¹b'tn
ms¹ m'tm w-ny 's²r ' 'lfm
mhrgtm w-' d 's²r ' 'lfm
s¹bym w-ts¹'y

ترجمه انگلیسی:

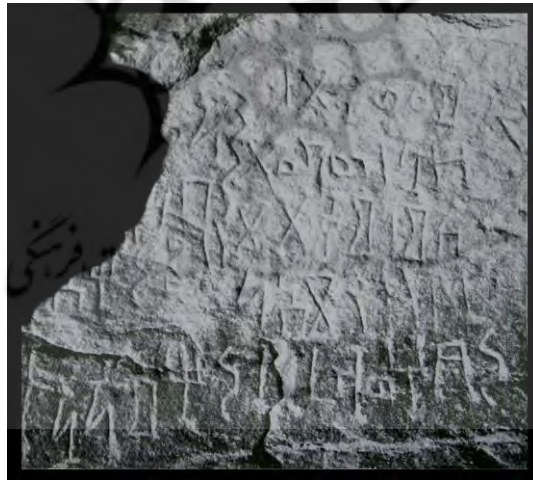
1 Might, the God, to whom belong the heavens and the earth, bless the king Yusuf s r Y r, the king of all the tribes, and might bless the qayls
2 L y tYr m, S yf s w S, rl Yqbl, S²r b l s ttle sons of S b l Ykml, of the clan of Yz n and Gdnm,

6 w- ty m'tn ' 'lfm 'blm w-
bqrm w- 'nm w-ts¹rw n
ms¹ndn qyln S²r 'l Yqbl -
Yz'n k-qrn b-'ly Ngrn
7 b-s²'b -Hmdn hgrn w-'rbn
w-nqrm bn 'z 'nn w-' 'rb Kdt w-
Mrdm w-M gm w-'qwl n
' wt-hw b-'m mlkn qrn m

8 on the coast against the Abyssinians, while they were reinforcing the chain of Mandab. That is all what they mentioned in this inscription: deaths, boot, garrison service and all (what happened) in only one expedition;
 9 then they came back to their houses thirteen months later. Might R mn bless their sons S²r b l Ykml and H ns r, the sons of L y t
 10 and L y ŷr m, the son of S yf and Mr d ln Ymgd, the son of S r l, of the clan of Yz n. The month of M r n of the six hundred
 11 thirty-three. For the protection of the heavens and the earth and of the strenght of the men was this inscription against those who would harm and degrade. Might R mnn, the Highest,
 12 protect it against all those who would degrade. This inscription was placed, written, executed in the name of R mnn. Tmm of yt placed . By the Lord of Jews. By the Highly Praised.

3 the supporters of their lord, the king Yusuf s r Y r, when he burnt the church, killed the Abyssinians in af r, and moved a war against s Rkbn, Fr
 4 s¹n, and M wn, and brought the war (against) the defence of Nagr nHe reinforced the chain of Mandab, they were with him. And he sent them with an army. What the king has managed
 5 to get in this expedition as spoils, amounted to twelve thousand deaths, eleven thousand prisoners, two
 6 hundred ninety thousand camels, cows and small animals. This inscription was written by the qayl S²r l Yqbl of Yz n, when he was in guard against Nagr n
 7 with the tribe of Hamd n citizens and nomads, and the assault troops of z nn and the Arabs of Kinda, Mur d, Madh ig, while the qayls, his brothers, with the king, were mounting guard

کتیبه ۳: Ry 515



2 bn Wl't N'[mt] bn [Ml]—
 3 km mqt S²r (')—
 4 l -Yz'n
 5 rb-Hwd b-R mnn

متن حروف نگاری شده کتیبه (Ryckmans, 1953,)
 : (p.314-315)

1 M'wyt /

پی‌نوشت

بررسی تطبیقی زبان‌هایی است که بعدها سامی نامیده شدند. برای اطلاعات بیشتر نک:

Lauterbach, J.Z. (1904), *Juadh Ibn Kuraish*, In: *The Jewish Encyclopedia*, ed. I. Singer, New York: Funk & Wagnalls, vol. VII: 345

۱۹- در سده اخیر زبان‌های سامی غالباً به دو شاخه شرقی و غربی تقسیم می‌شود. شاخه غربی، بنا به دو گونه تقسیم‌بندی، مشتمل بر زیرشاخه‌های شمال غربی و جنوبی یا مرکزی و جنوبی است. بر اساس تقسیم نخست و با توجه به شباهت‌های آواشناختی (phonological)، زبان غربی در زیرشاخه جنوبی قرار می‌گیرد اما بر اساس تقسیم دوم و با توجه به شباهت‌های ساخت‌واژه‌ای (morphological)، در زیرشاخه مرکزی (Bennett, 1998, p.20-21). گونه‌های دیگری هم از تقسیم‌بندی شاخه غربی هست. برای اطلاعات بیشتر نک:

Rubin, A.D. (2008), *The Subgrouping of the Semitic Languages*, In: *Language and Linguistics Compass* 2/1: 61° 84

20- Akkadian

21- Eblaite

22- Canaanite

23- Hebrew

24- Aramaic

25- Syriac

26- Arabic

27- Abyssinian/ Ethiopic

28- Mesopotamia

29- Akkad/ Agade

30- Assyrian

31- Babylonian

32- dialect

۳۳- واژه *bānī* مشتق از فعل *banū* به معنای بنا کردن و ساختن - معادل *بنی* در عربی - بوده است (Muss-Arnolt, 1905, vol.1, p.173, 176).

۱- برای آگاهی تفصیلی از دیدگاه‌های دانشمندان

مسلمان در این باره و آسیب‌شناسی آنها نک: خوانین زاده و نجارزادگان، ۱۳۹۳، ص ۳۳-۶۷

۲- True God/ Creator، در مقابل «خدای دروغین/ إله: false god/ deity»

3- pagan

4- diachronic/ historical semantics

5- philology

6- historical-comparative linguistics

7- comparative philology

8- phonological

9- morphological

10- syntactic

11- semantic

12- Sir W. Jones

13- parent language/ common language

14- language family

15- Semitic language family

16- A.L. Schlözer

۱۷- بر اساس آنچه در باب دهم از سفر پیدایش آمده است پس از طوفان نوح اقوام روی زمین از فرزندان سه پسر نوح (ع) پدید آمدند؛ اقوام سفیدپوست از نسل سام، اقوام سیاه‌پوست از نسل حام و اقوام زردپوست از نسل یافت (مشکور، ۱۳۷۰، ص ۹).

۱۸- زبان‌شناس یهودی اهل تیارت/ تاهرت (در الجزائر) در قرن‌های هشتم و نهم میلادی، که در پاسخ به جماعت یهودیان فاس (در مراکش)، نامه‌ای به زبان عربی و با استفاده از الفبای عبری نوشت - که به رساله وی معروف است - و در خلال آن، به تبیین پیوندهای فراوان سه زبان عبری، آرامی و عربی پرداخت. این رساله نخستین اثر شناخته‌شده در

صورت‌های فعلی «رَبَّ» عربی و *rabū* اکدی در پیوند دانسته‌است.

۴۸- گزنیوس این واژه را برگرفته از صورت فعلی *rabah* و در پیوند با فعل «رَبَّ» و اسم «الرَّبَّ» عربی و واژه *ribūtū* سریانی و کولر آن را در پیوند با *rabū* اکدی دانسته‌است. کلاین نیز این واژه را اسم مصدر از صورت فعلی *rabah* و در پیوند با واژه *tarbūtā* سریانی دانسته‌است.

۴۹- کلاین به نقل از بسیاری از زبان‌شناسان، این واژه - که به صورت جمع (با پسوند *-īm*) به کار می‌رود - و واژه اوگاریتی *rbb* به معنای «نم‌نم باران» را با توجه به شکل شبیه به گوسفند آن - که احتمالاً ابر باران‌زای آن مورد نظر است - با واژه عربی «رَبَّیْتُ» در معنای «بره گوسفند» دارای پیوند دانسته‌است. قس: Rendsburg, 2002, p.200، که این واژه و صورت جمع آن *rbbm* در زبان اوگاریتی را برگرفته از واژه‌های *ribū rabbah* یا *rbi* - به معنای فراوانی / بی‌شماری - در زبان‌های سامی شمال غربی دانسته‌است.

50- Byblos

۵۱- معادل *rab* عبری

۵۲- معادل *rab* عبری

۵۳- معادل *rub* عبری

۵۴- معادل *ribbū* عبری

۵۵- Bible. کتاب مقدس مسیحیان، شامل دو بخش کلی عهد قدیم / عتیق و عهد جدید

56- Book of Ezra

57- Book of Daniel

58- Targumim/ Targums

59- Palmyrene

34- Ebla

۳۵- برای بررسی تفصیلی مشابهت‌های میان دو زبان ابلایی و اکدی نک:

Krebernik, M. (1996), The Linguistic Classification of Eblaite: Methods, Problems, and Results, In: *The Study of the Ancient Near East in the Twenty-First Century ...*, eds. J.S. Coope and G.M. Schwartz, Winona Lake: 233-249

همچنین برای آگاهی از بعضی پیوندهای میان زبان ابلایی و زبان‌های سامی شمال غربی نک:

Rendsburg, G.A. (2002), Eblaite and Some Northwest Semitic Lexical Links, In: *Eblaite: Essays on the Ebla Archives and Eblaite Language*, eds. C.H. Gordon and G.A. Rendsburg, Winona Lake: Eisenbrauns, vol. 4: 199-208

36- Levant

37- Ugaritic

38- Phoenician

39- Nabataean

40- Ugarit

41- Syro-Palestinian area

۴۲- Tanakh/ Hebrew Bible. کتاب مقدس

یهودیان، مشتمل بر سه بخش تورات (اسفار پنجگانه)، نبییم (انبیا) و کتوبیم (مکتوبات).

43- Qumran

44- Mishnah

45- Midrash

۴۶- گزنیوس این فعل را با صورت‌های فعلی «رَبَّ»

عربی، *rabbu* آشوری، *rabba* حبشی، *rabab* آرامی

و *rab* سریانی در پیوند دانسته‌است. همچنین کولر

واژه‌های *rab*, *rub*, *ribbah*, *ribub* و *ribībīm* را

مشتق از این فعل دانسته‌است.

۴۷- گزنیوس این فعل را با صورت‌های فعلی «رَبَّ»

عربی، *ribā* آرامی و *rabū* سریانی و کولر با

۶۸- جسترو این واژه را برگرفته از صورت فعلی *rabah* دانسته‌است.

۶۹- جسترو این واژه را برگرفته از صورت فعلی *rabah* دانسته‌است.

70- Petra

71- Negev desert

72- Edessa/ Urhay

۷۳- برون این ریشه را معادل *rabab* عبری دانسته‌است.

۷۴- برون این ریشه را معادل *rabah* عبری و «ربا» عربی دانسته‌است.

75- Ancient/ Old North Arabian

۷۶- Proto-Arabic. در زبان‌شناسی تاریخی-تطبیقی اصطلاح زبان نخستین (proto-language) در مورد زبانی به کار می‌رود که به نظر می‌رسد بعضی از زبان‌های عضو یک خانواده زبانی از آن زبان منشعب شده‌اند. این زبان نخستین گاهی موجود و شناخته است (مانند زبان لاتین، که زبان نخستین برای خانواده زبان‌های رومی - مشتمل بر زبان‌هایی همچون فرانسوی، ایتالیایی، اسپانیایی، پرتغالی و رومانیایی - است) و گاهی ناشناخته بوده و تلاش می‌شود بر اساس شواهد تاریخی و باستان‌شناختی بازسازی گردد. زبان عربی نخستین تا کنون ناشناخته بوده و بر اساس کتیبه‌های کشف‌شده، تنها بعضی ویژگی‌های این زبان و گویش‌های منشعب از آن شناسایی شده‌است. برای آگاهی از بازسازی عربی نخستین و ویژگی‌های آن نک:

Owens, J. (2006), *A Linguistic History of Arabic*, New York: Oxford University Press

۷۷- در بعضی منابع عربی، اصطلاحات عربی بانه و عربی باقیه متناظر با دو شاخه ارائه‌شده به کار

۶۰- دالمن و جسترو صورت دیگر این واژه را *rabā* دانسته‌اند. همچنین جسترو و باومگارتنر آن را برگرفته از صورت فعلی *rabab* دانسته‌اند.

۶۱- امورائیم: جمع واژه آرامی *Amurā* به معنای سخنران و مبلغ دینی و شارح می‌شنا. برای اطلاعات بیشتر و نیز تفاوت امورائیم بابلی و فلسطینی نک:

Gray, M.A. (2007), *Amoraim*, In: *Encyclopaedia Judaica*, 2nd Edition, New York: Thomson Gale, vol. 2: 89-95

۶۲- تنائیم: جمع واژه آرامی *Tannā* به معنای آموزگار شریعت شفاهی یهود پیش از نگارش می‌شنا. برای اطلاعات بیشتر نک:

Sperber, D. (2007), *Tanna, Tannaim*, In: *Encyclopaedia Judaica*, ..., vol. 19: 505-507

۶۳- هیلل: از مشهورترین رهبران مذهبی یهود، که در دوران پادشاهی هیروود بر یهودیه در امپراتوری روم می‌زیسته و به مدت ۴۰ سال ریاست سَنهدرین (شورای عالی یهودیان در اورشلیم) را عهده‌دار بوده و در سال دهم میلادی از دنیا رفته‌است (Bacher, 1910, p.467). برای اطلاعات تفصیلی در مورد وی نک:

Horowitz, Y. (2007), *Hillel*, In: *Encyclopaedia Judaica*, ..., vol. 9: 108-110

۶۴- جسترو این واژه را برگرفته از صورت فعلی *rabab* دانسته‌است.

۶۵- جسترو این واژه را برگرفته از صورت فعلی *rabab* دانسته‌است.

۶۶- جسترو این واژه را برگرفته از صورت فعلی *rabah* دانسته اما باومگارتنر آن را برگرفته از صورت فعلی *rabab* دانسته‌است.

۶۷- باومگارتنر این واژه را برگرفته از صورت فعلی *rabah* دانسته‌است.

کمابیش یکسان دارند و به نظر می‌رسد دارای ریشه‌ای مشترکند.

94- macro-family

95- T. Benfey

96- F. Müller

97- Hamito-Semitic languages

98- Afro-Asiatic/ Afrasian languages

99- J. Greenberg

100- Egyptian

101- Berber

102- Chadic

103- Cushitic

104- Omotic

۱۰۵- برای اطلاعات بیشتر در مورد خانواده‌های زبانی و چگونگی دسته‌بندی زبان‌ها نک:

Greenberg, J.H. (2005), *Genetic Linguistics: Essays on Theory and Method*, ed. W. Croft, New York: Oxford University Press; Voegelin (1977), *Classification and Index of the World's Languages*, New York: Elsevier

۱۰۶- واژه «رب» در قرآن کریم چهار بار در ارجاع به «ملک» مصر در زمان حضرت یوسف (ع) و در این آیات به کار رفته‌است: یوسف/ ۱۲: ۴۱-۴۲ و ۵۰؛ یک بار هم در ارجاع به «فرعون» مصر در زمان حضرت موسی (ع) در: النازعات/ ۷۹: ۲۴.

107- Earlier Egyptian

108- Later Egyptian

109- Ancient Egyptian/ Old Egyptian

110- Coptic

111- Pyramid Texts

۱۱۲- Osiris. خدای مردگان و زندگی پس از مرگ. از خدایان مصر باستان فرزند گب خدای زمین و نوت الهه آسمان (Wilkinson, 2003, p.105).

113- Common Semitic

رفته‌است. برای اطلاعات بیشتر نک: ولفنسون، ۲۰۰۱، ص ۱۴۳-۲۱۷؛ علی، ۱۴۲۲، ج ۱، ص ۲۹۴-۳۵۳ و ج ۲، ص ۵-۶۰ در مورد اعراب بائده و باقیه، ج ۱۶، ص ۳۰۵-۳۱۸ در مورد زبان‌ها یا لهجه‌های عربی پیش از اسلام.

78- Old Arabic/ Pre-classical Arabic

79- Classical Arabic

۸۰- برای آگاهی از بعضی موارد تمایز زبان‌های عربی جنوبی کهن، عربی شمالی کهن و عربی (کهن و کلاسیک) نک:

Macdonald, M.C. (2000), *Reflections on the Linguistic Map of Pre-Islamic Arabia*, In: *Arabian Archaeology and Epigraphy* 11: 28-79

81- Old/ Epigraphic South Arabian

82- Sayhadic

83- Sabaean/ Sabaic

84- Minaean/ Minaic

85- Qatabanian/ Qatabanic

86- Hadrami/ Hadramitic

87- Ge z

88- Dedanitic/ Lihyanic

89- Safaitic

90- Hasaitic

91- Thamudic

۹۲- از مهم‌ترین وجوه تمایز این دو زبان تفاوت در حرف تعریف است؛ به نحوی که در زبان عربی پیشوند ال (al-) در ابتدای یک اسم نشانه معرفتی است اما در عربی شمالی کهن پیشوند ه (h-/ hn-)؛ در بعضی لهجه‌های عربی شمالی کهن هم ظاهراً حرف تعریفی وجود ندارد (Macdonald, M.C., 2004, p.517).

۹۳- cognates. واژه‌هایی در دو زبان هم‌خانواده که ساختی مشابه و تلفظی نزدیک به هم و معنایی

- 114- برخی زبان‌شناسان به گونه‌ای افراطی مبدأ تمامی ریشه‌های سامی را دوحرفی دانسته‌اند. در این باره نک:
- Macdonald, J. (1966), *New Thoughts on a Biliteral Origin for the Semitic Verb* In: *The Annual of Leeds University Oriental Society* 5: 63-85
- 115- Cognate
- 116- sound shift
- 117- تبدیل چهار همخوان قریب المخرج *n r d* و *m* در زبان‌های سامی از زبانی به زبان دیگر امری رایج است. برای آگاهی از بعضی نمونه‌های چنین تبدیلی نک: O Leary, 1923, p.63-65
- 118- True God/ Creator، در مقابل «خدای دروغین / إله: false god/ deity»
- 119- برای نمونه: وَاسْتَعْنِ مَا أَغْنَاكَ رَبُّكَ بِالْعَنَى... وَإِذَا تُصِيبُكَ خَصَاصَةٌ فَتَجَمَّلِ (مفضل ضبی، ۱۹۴۲، ص ۳۷۵، به نقل از عبد قیس بن خُفَاف)؛
- قَتَلُوا كَلْبِيًّا ثُمَّ قَالُوا أُرْبِعُوا... كَذَّبُوا وَرَبُّ الْحِلِّ وَالْأَحْرَامِ (أصمعی، ۱۹۶۳، ص ۱۵۶، به نقل از مهلهل بن ربیعہ د. ۵۳۱ م)؛
- فَلَوْ شَاءَ رَبِّي كُنْتُ قَيْسَ بْنِ خَالِدٍ... وَكَوْشَاءَ رَبِّي كُنْتُ عَمْرَو بْنَ مَرْثَدٍ (أبو زيد قرشی، ۱۹۸۱، ص ۳۳۴، به نقل از طرفة بن عبد د. ۵۶۹ م)؛
- فَدَعَ الْبَاطِلَ وَالْحَقَّ بِالْتَقَى... فَتَقَى رَبِّكَ رَهْنٌ لِلرَّشَدِ (بحتری، ۱۴۲۸، ص ۳۲۹، به نقل از عدی بن زید عبادی د. ۵۸۷ م).
- 120- برای مشاهده تصویر، متن حروف‌نگاری شده و ترجمه انگلیسی این کتیبه‌ها نک: بخش ضمايم.
- 121- Nicene Creed
- 122- Trinity
- ۱۲۳- برای آگاهی بیشتر از یکتاپرستی در یهودیت و مسیحیت نک: Schmidt, 2005, p.1063-1064
- 124- Tanakh/ Hebrew Bible
- ۱۲۵- برای نمونه نک: خروج ۲۳: ۱۷ و ۳۴: ۲۳
- 126- Septuagint
- 127- Targumim/ Targums
- ۱۲۸- بر اساس نتایج حاصل از آزمایش رادیوکربن، بیشتر مکتوبات/ نسخه‌های خطی کشف‌شده از قبران متعلق به بازه زمانی دوست سال پیش از میلاد تا یکصد سال پس از میلاد مسیح (ع) اند (نک: Milik, 1976, p.5-7). برای آگاهی از فهرستی از ترگوم‌های کشف‌شده نک: Fitzmyer, 1980, p.18-19
- 129- Genesis Apocryphon
- 130- Book of Enoch
- ۱۳۱- در این عبارت واژه *rab* در کاربرد وصفی و به معنای «بزرگ» به کار رفته‌است.
- 132- Bible
- 133- Old Testament
- 134- New Testament
- ۱۳۵- با توجه به سطره اسکندر مقدونی در اواخر سده چهارم پیش از میلاد بر سرزمین‌های شرق مدیترانه، که در نتیجه آن دست‌کم تا قرن چهارم میلادی زبان یونانی به عنوان زبان رسمی جایگزین زبان آرامی شده‌بود، تقریباً تمام دانشمندان کتاب مقدس بر این باورند که هرچند زبان عیسی مسیح (ع) آرامی بوده اما عهد جدید از ابتدا به زبان یونانی نگارش شده و اصل آرامی ندارد (Clifford and Harrington, 2004, p.205) برخی معتقدند انجیل متی ابتدا به زبان آرامی نگاشته و سپس به یونانی ترجمه شده‌است اما این دیدگاه به دلایل زبان‌شناختی و فقدان

ارتباط ساکنان جنوب شبه جزیره عرب با یهودیان و مسیحیان سایر مناطق نزدیک نیز فراهم بوده است؛ هم از طریق شمال به سمت حجاز چه با یهودیان و مسیحیان شام و چه با عبور از عرض دریای سرخ و با مسیحیان مصر، هم از طریق دریای عرب چه به دریای عمان و خلیج فارس و با مسیحیان حیره و چه به سمت هند و با مسیحیان هند (نک: علی، ۱۴۲۲، ج ۳، ص ۲۴۲، ۲۶۱-۲۶۲ و ج ۱۳، ص ۲۶۲-۲۶۳).

۱۴۲- برای اطلاعات بیشتر در باره کاربردهای این عبارت در متون مقدس و نیایش‌های یهودی نک:

Wiesenberg, E. J. (1966), *Gleanings of the Liturgical Term Melekh Ha-lam*, In: *Journal of Jewish Studies* 17: 47-72

۱۴۳- واژه «رب» - به صورت مفرد و مضاف - در پنج مورد در ارجاع به «مَلِك/ فرعون» مصر به عنوان تنها مصداق عینی و متعین به کار رفته است: چهار مورد در ارجاع به «ملک» مصر در زمان حضرت یوسف (ع) در: یوسف / ۱۲: ۴۱-۴۲ و ۵۰؛ یک مورد هم در ارجاع به «فرعون» مصر در زمان حضرت موسی (ع) در: النازعات / ۷۹: ۲۴. واژه «رب» همچنین در ۱۲ مورد به صراحت در اشاره به خدا به کار رفته بلکه در تقابل با «الله» یا «رب» معرفی شده توسط پیامبران بوده و به صورت جدلی به «إله/ معبود دروغین» مورد ادعای مخالفان پیامبران ارجاع داشته و تلویحاً بیانگر ربّ نبودن آنها یا یکی بودن «رب» همگان است؛ هفت بار - به صورت مفرد و مضاف - در: البقره / ۲: ۷۶، آل عمران / ۳: ۷۳، الأنعام / ۶: ۷۶، ۷۷ و ۷۸، الأعراف / ۷: ۴۴ و الحج / ۲۲: ۱۹؛ یک بار - به صورت مفرد و غیر مضاف (و نکره) - در: الأنعام / ۶: ۱۶۴؛ و چهار بار

نسخه آرامی، مورد مناقشه قاطبه دانشمندان کتاب مقدس بوده است. در این باره نک:

Hagner, D.A. (1986), *Matthew, Gospel According to*, In: *The International Standard Bible Encyclopedia*, ed. G.W. Bromiley, vol. 3: 280-288

136- Peshitta

۱۳۷- ناگفته نماند هرچند *rab* در کاربرد اسمی و به عنوان نامی از نام‌های «خدا» در کتاب‌های مقدس یهودی و مسیحی به کار نرفته است اما واژه *rab* در کاربرد وصفی، همان گونه که برای غیر خدا و حتی غیر انسان به کار می‌رفته، در توصیف یا اشاره به *YHWH* به طور مشخص در دو معنا به کار می‌رفته است: یکی در معنای «بزرگ» و بیان کننده اقتدار و عظمت وی؛ دیگری در معنای «فراوان» و بیان کننده نعمت‌ها و عنایات فراوان وی نسبت به بنی اسرائیل؛ برای آگاهی از نمونه‌های این دو کاربرد در عهد قدیم نک: Botterweck, 2004, vol.13, p.290-291

۱۳۸- برای آگاهی بیشتر از چگونگی گسترش یهودیت در جنوب شبه جزیره عرب نک:

Robin, Ch.J. (2003), *Le judaïsme de Himyar*, In: *Arabia. Revue de Sabéologie* 1: 97-172

۱۳۹- در باره مسیحیت در جنوب شبه جزیره نک:

Jeffery, A. (1946), *Christianity in South Arabia*, In: *The Muslim World* 36/3: 193-216

۱۴۰- در مورد ارتباط مسیحیان جنوب شبه جزیره عرب با کلیسای حبشی در قرن چهارم میلادی نک: Moeller, 1902, vol.1, p.541

۱۴۱- چنانچه کاربرد مفهوم «سرور/ صاحب اختیار» در اشاره به «خدای خالق» در زبان سبئی لزوماً متأثر از فرهنگ حبشی دانسته نشود، امکان

- هم - به صورت جمع و غیر مضاف - در: آل عمران / ۳: ۶۴ و ۸۰، التوبة / ۹: ۳۱ و یوسف / ۱۲: ۳۹.
- 144- Yiddish
- 145- Ashkenazi Jews
- منابع**
۱. قرآن کریم.
 ۲. کتاب مقدس.
 ۳. آذرنوش، آذرتاش (۱۳۸۸)، راه‌های نفوذ فارسی در فرهنگ و زبان عرب جاهلی، تهران: توس.
 ۴. آراتو، آنتونی (۱۳۷۳)، درآمدی بر زبان‌شناسی تاریخی، ترجمه یحیی مدرس، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
 ۵. أبو زید قرشی، محمد بن أبی الخطاب (۱۹۸۱)، *جمهرة أشعار العرب فی الجاهلیة و الإسلام*، تحقیق علی محمد بجاوی، قاهره: نهضة مصر للطباعة و النشر و التوزيع.
 ۶. أصمعی، عبدالملک بن قریب (۱۹۶۳)، *الأصمعیات*، تحقیق أحمد شاکر و عبدالسلام هارون، قاهره: دارالمعارف.
 ۷. بحتری، ولید بن عبید (۱۴۲۸)، *الحماسة*، تحقیق محمد إبراهیم حور و أحمد محمد عبید، أبو ظبی: هیئة أبو ظبی للثقافة و التراث.
 ۸. پالم، فرانک ر. (۱۳۷۴)، *نگاهی تازه به معنی‌شناسی*، ترجمه کورش صفوی، تهران: نشر مرکز.
 ۹. خوانین‌زاده، محمدعلی و نجارزادگان، فتح‌اله (۱۳۹۳)، «بازخوانی دیدگاه‌های دانشمندان
 - مسلمان در معنا و اشتقاق ربّ»، در: *مطالعات قرآن و حدیث* ۱۵: ۳۳-۶۷.
 ۱۰. الذیب، سلیمان بن عبد الرحمن (۱۴۲۱)، *المعجم النبطی: دراسة مقارنة للمفردات و الألفاظ النبطیة*، ریاض: مکتبه ملک فهد الوطنیة.
 ۱۱. صفوی، کورش (۱۳۸۴)، *فرهنگ توصیفی معنی‌شناسی*، تهران: فرهنگ معاصر.
 ۱۲. علی، جواد (۱۴۲۲)، *المفصل فی تاریخ العرب قبل الإسلام*، بیروت: دار الساقی.
 ۱۳. مشکور، محمدجواد (۱۳۷۰)، *تاریخ مختصر زبان‌های سامی*، ترجمه یوسف فضایی، تهران: شرق.
 ۱۴. مفضل ضبی (۱۹۴۲)، *المفضلیات*، تحقیق أحمد محمد شاکر و عبدالسلام محمد هارون، قاهره: دارالمعارف.
 ۱۵. نولدکه، تئودور (۱۹۶۳)، *اللغات السامیة*، ترجمه رمضان عبد التواب، قاهره: مکتبه دار النهضة العربیة.
 ۱۶. ولفسون، اسرائیل (۲۰۰۱)، *تاریخ اللغات السامیة*، بیروت: دار القلم.
 17. Abdallah, Y.M. (1987), *The Inscription CIH 543: A New Reading Based on the Newly-Found Original*, In: *Sayhadica: Recherches sur les Inscriptions de l'Arabie Préislamique Offertes par ses Collègues au Professeur A.F.L. Beeston*, eds. Ch.J. Robin and M.A. Bafaqih, Paris: Paul Geuthner: 3-9
 18. Bacher, W. (1910), Hillel, In: *Encyclopædia Britannica*, 11th Edition, New York: The Encyclopædia

31. Dalman, G.H. (1901), *Aramäisch-Neuhebräisches Wörterbuch zu Targum, Talmud und Midrasch*, Frankfurt: M.J. Kauffmann
32. Dillmann, A. (1865), *Lexicon Linguae Aethiopicae*, Lipsiae: T.O. Weigel
33. Fitzmyer, J.A. (1980), The Aramaic Language and the Study of the New Testament, In: *Journal of Biblical Literature* 99/1: 5-21
34. ___ (1998), New Testament Kyrios and Maranatha and Their Aramaic Background, In: *To Advance the Gospel: New Testament Studies*, 2nd Edition, Grand Rapids, MI: Wm.B. Eerdmans Publishing Co.: 218-235
35. George, A.R. (2007), Babylonian and Assyrian: A History of Akkadian, In: *Languages of Iraq, Ancient and Modern*, ed. J.N. Postgate, London: British School of Archaeology in Iraq: 31-71
36. Gesenius, W. (1939), *A Hebrew and English Lexicon of the Old Testament*, tr. E. Robinson, ed. F. Brown, Oxford: Oxford University Press
37. Gray, M.A. (2007), Amoraim, In: *Encyclopaedia Judaica*, 2nd Edition, New York: Thomson Gale, vol. 2: 89-95
38. Greenberg, J.H. (2005), *Genetic Linguistics: Essays on Theory and Method*, ed. W. Croft, New York: Oxford University Press
39. Greenspoon, L.J. (2007), Greek: The Septuagint (from Bible, Translations; Ancient Versions entry), In: *Encyclopaedia Judaica*, 2nd Edition, New York: Thomson Gale, vol. 3: 595-598
40. Grossfeld, B. and Sperling, S.D. (2007), Aramaic, the Targumim (from Bible, Translations; Ancient Versions entry), In: *Encyclopaedia Britannica Company*, vol. XIII: 467-468
19. Beeston, A.F.L. et al. (1982), *Sabaic Dictionary (English-French-Arabic)*, Louvain: Peeters
20. Bennett, P.R. (1998), *Comparative Semitic Linguistics: A Manual*, Winona Lake, IN: Eisenbrauns
21. Biella, J.C. (1982), *Dictionary of Old South Arabic, Sabaean Dialect*, Chico, CA: Scholars Press
22. Biggs, R.D. et al. (1999), *The Assyrian Dictionary of the Oriental Institute of the University of Chicago*, Chicago: University of Chicago Press. vol. 14, 18
23. Black, J. et al. (2000), *A Concise Dictionary of Akkadian*, Wiesbaden: Harrassowitz Verlag
24. Botterweck, G.J. et al. (2004), *Theological Dictionary of the Old Testament*, tr. D.E. Green, Cambridge: Wm.B. Eerdmans Publishing Co. vol. XIII
25. Brun, J. (1895), *Dictionarium Syriaco-Latinum, Beryti Phoeniciorum*: Typographia PP. Soc. Jesu
26. Budge, E.A.W. (1920), *An Egyptian Hieroglyphic Dictionary*, London: John Murray. vol. I
27. Campbell, L. (1999), *Historical Linguistics: an Introduction*, Cambridge, MA: MIT Press
28. Clifford, R.J. and Harrington, D.J. (2004), Bible, In: *Encyclopedia of Christian Theology*, ed. J.Y. Lacoste, New York: Routledge, vol. 1: 203-208
29. Costaz, L.J. (2002), *Dictionnaire Syriaque-Français/ Syriac-English Dictionary*, Beyrouth: Dar el-Machreq
30. Crum, W.E. (1939), *A Coptic Dictionary*, New York: Oxford University Press

50. Jeffery, A. (1938), *The Foreign Vocabulary of the Qur'an*, Baroda: Oriental Institute
51. ___ (1946), Christianity in South Arabia, In: *The Muslim World* 36/3: 193-216
52. Klein, E. (1987), *A Comprehensive Etymological Dictionary of the Hebrew Language*, Carta, Jerusalem: The University of Haifa
53. Knibb, M.A. (1978), *The Ethiopic Book Of Enoch*, Oxford: Oxford University Press. vol. 1, 2
54. Koehler, L. and Baumgartner, W. (1958), *Lexicon in Veteris Testamenti Libros*, Leiden: Brill (Part I: A Dictionary of the Hebrew Old Testament in English and German, ed. L. Koehler; Part II: A Dictionary of the Aramaic Parts of the Old Testament in English and German, ed. W. Baumgartner)
55. Krahmalkov, Ch.R. (2000), *Phoenician-Punic Dictionary*, Leuven: Peeters
56. Krebernik, M. (1996), The Linguistic Classification of Eblaite: Methods, Problems, and Results, In: *The Study of the Ancient Near East in the Twenty-First Century. The William Foxwell Albright Centennial Conference*, ed. J.S. Coope and G.M. Schwartz, Winona Lake: 233-249
57. Lauterbach, J.Z. (1904), *Juda Ibn Kuraish* In: *The Jewish Encyclopedia*, ed. I. Singer, New York: Funk & Wagnalls, vol. VII: 345
58. Leslau, W. (1991), *Comparative Dictionary of Ge'ez (Classical Ethiopic)*, Wiesbaden: Harrassowitz
59. Lipinski, E. (1997), *Semitic Languages: Outline of a Comparative Grammar*, Leuven: Peeters
- Judaica*, 2nd Edition, New York: Thomson Gale, vol. 3: 588-595
41. Hartman, L.F. and Sperling, S.D. (2007), God, Names of, In: *Encyclopaedia Judaica*, 2nd Edition, New York: Thomson Gale, vol. 7: 672-678
42. Hagner, D.A. (1986), Matthew, Gospel According to, In: *The International Standard Bible Encyclopedia*, ed. G.W. Bromiley, Grand Rapids, MI: Wm.B. Eerdmans Publishing Co., vol. 3: 280-288
43. Horowitz, J. (1964), *Jewish Proper Names and Derivatives in the Koran*, Hildesheim: Georg Olms Verlags Buchhandlung
44. Horowitz, Y. (2007), Hillel, In: *Encyclopaedia Judaica*, 2nd Edition, New York: Thomson Gale, vol. 9: 108-110
45. Hoyland, R.G. (2001), *Arabia and the Arabs: From the Bronze Age to the Coming of Islam*, London: Routledge
46. Huehnergard, J. (1995), Semitic Languages, In: *Civilizations of the Ancient Near East*, ed. J.M. Sasson, New York: Scribners, vol. 4: 2117° 2134
47. ___ (2011), Proto-Semitic Language and Culture; Semitic Roots, In: *The American Heritage Dictionary of the English Language*, 5th Edition, Boston, MA: Houghton Mifflin Harcourt: 2066-2078
48. Jamme, A.W.F., (1966), Sabaea and Hasaeen Inscriptions from Saudi Arabia, In: *Studi Semitici* 23: 39-55
49. Jastrow, M. (1903), *A Dictionary of the Targumim, the Talmud Babli and Yerushalmi, and the Midrashic Literature*, New York: G.P. Putnam s Sons. vol. II

- Rites, New York: Jason Aronson: 277-278
71. O Leary, D.L (1923), *Comparative Grammar of the Semitic Languages*, London: Kegan Paul, Trench, Trubner & Co.
72. Olmo Lete, G. del and Sanmartin, J. (2003), *A Dictionary of the Ugaritic Language in the Alphabetic Tradition*, tr. W.G.E. Watson, Leiden: Brill. vol. 1
73. Orel, V.E. and Stolbova, O.V. (1995), *Hamito-Semitic Etymological Dictionary: Materials for a Reconstruction*, Leiden: E.J. Brill
74. Owens, J. (2006), *A Linguistic History of Arabic*, New York: Oxford University Press
75. Payne Smith, J. (1903), *A Compendious Syriac Dictionary*, Oxford: Clarendon Press
76. Rendsburg, G.A. (2002), Eblaite and Some Northwest Semitic Lexical Links , In: *Eblaïtica: Essays on the Ebla Archives and Eblaïte Language*, ed. C.H. Gordon and G.A. Rendsburg, Winona Lake: Eisenbrauns, vol. 4: 199-208
77. Robin, Ch.J. (2003), Lejudasme de Himyar , In: *Arabia. Revue de Sabéologie* 1: 97-172
78. Rubin, A.D. (2008), The Subgrouping of the Semitic Languages , In: *Language and Linguistics Compass* 2/1: 61° 84
79. ____ (2010), *A Brief Introduction to the Semitic Languages*, Piscataway, NJ: Gorgias Press
80. Rubio, G. (2006), Eblaïte, Akkadian, and East Semitic , In: *The Akkadian Language in its Semitic Context*, ed. G. Deutscher and N.J.C. Kouwenberg, Leiden: Nederlands Instituut voor het Nabije Oosten: 110° 139
60. Loprieno, A. (1995), *Ancient Egyptian: A Linguistic Introduction*, Cambridge: Cambridge University Press
61. Macdonald, J. (1966), New Thoughts on a Biliteral Origin for the Semitic Verb , In: *The Annual of Leeds University Oriental Society* 5: 63° 85
62. Macdonald, M.C. (2000), Reflections on the Linguistic Map of Pre-Islamic Arabia , In: *Arabian Archaeology and Epigraphy* 11: 28-79
63. ____ (2004), Ancient North Arabian , In: *The Cambridge Encyclopedia of the World's Ancient Languages*, ed. R.D. Woodard, Cambridge: Cambridge University Press, chap. 16: 488-533
64. Margoliouth, D.S. (1914), God (Arabian, pre-Islamic); 2. Names , In: *Encyclopædia of Religion and Ethics*, ed. J. Hastings, New York: Charles Scribner's Sons. vol. VI: 248
65. Milik, J.T. (1976), *The Books of Enoch: Aramaic Fragments of Qumran Cave 4*, Oxford: Clarendon Press
66. Moeller, W. (1902), *History of the Christian Church*, tr. A. Rutherford, London: Swan Sonnenschein & Co., vol. I
67. Moscati, S. (1980), *An Introduction to the Comparative Grammar of the Semitic Languages: Phonology and Morphology*, Wiesbaden: Otto Harrassowitz
68. Munro-Hay, S.C. (1991), *Aksum: An African Civilization of Late Antiquity*, Edinburgh: Edinburgh University Press
69. Muss-Arnolt, W. (1905), *A Concise Dictionary of the Assyrian Language*, Berlin: Reuther & Reichard, vol. 1, 2
70. Nulman, M. (1995), Ribbono Shel Olam , In: *The Encyclopedia of Jewish Prayer: The Ashkenazic and Sephardic*

87. Vermeulen, J. (2005), *Nama*, In: *Encyclopedia of Christian Theology*, ed. J.Y. Lacoste, New York: Routledge, vol. 2: 1093-1095
88. Vernet, E. (2011), *Semitic Root Incompatibilities and Historical Linguistics*, In: *Journal of Semitic Studies* LVI/1: 1-18
89. Voegelin, C.F. and Voegelin, F.M. (1977), *Classification and Index of the World's Languages*, New York: Elsevier
90. Vollandt, R. (2015), *Arabic Versions of the Pentateuch: A Comparative Study of Jewish, Christian and Muslim Sources*, Leiden: Brill
91. Weinreich, U. (2007), *Yiddish Language*, In: *Encyclopaedia Judaica*, 2nd Edition, New York: Thomson Gale, vol. 21: 332-338
92. Wiesenberg, E. J. (1966), *Gleanings of the Liturgical Term Melekh Ha-alam*, In: *Journal of Jewish Studies* 17: 47-72
93. Wilkinson, R.H. (2003), *The Complete Gods and Goddesses of Ancient Egypt*, London: Thames & Hudson.
81. Ryckmans, G. (1953), *Inscriptions Sud-Arabes: Dixième Série*, In: *Le Muséon* 66: 267-317
82. Schmidt, W.H. (2005), *Monotheism; II. Biblical Theology*, In: *Encyclopedia of Christian Theology*, ed. J.Y. Lacoste, New York: Routledge, vol. 2: 1063-1064
83. Sperber, D. (2007), *Tanna, Tannaim*, In: *Encyclopaedia Judaica*, 2nd Edition, New York: Thomson Gale, vol. 19: 505-507
84. Sperling, S.D. (2007), *Syriac Aramaic: Peshitta and Other Versions (from Bible, Translations; Ancient Versions entry)*, In: *Encyclopaedia Judaica*, 2nd Edition, New York: Thomson Gale, vol. 3: 599-600
85. Sprenger, A. (1869), *Das Leben und die Lehre des Mohammad*, Berlin: Nicolaische Verlagsbuchhandlung. vol.
86. Torry, Ch.C. (1933), *The Jewish Foundation of Islam*, New York: Jewish Institute of Religion Press